

مہدی و سنت ظاہر

مقدمہ و بیست

و

نسیم ظہور

نویسنده:

حسن جعفری بافقی

نام کتاب: مهدویت و نسیم ظهور
مؤلف: حسن جعفری بافقی
ناشر: انتشارات رسول اکرم ﷺ
نوبت و تاریخ چاپ: اول / زمستان ۱۳۸۱
فیلم و زینگ و لیتوگرافی: غدیر / جزایری ۷۷۴۳۳۰۰
تیراژ: ۲۰۰۰ وزیری
قیمت: ۶۰۰ تومان

«کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است»

شابک ۳ - ۰ - ۹۴۵۹۱ - ۹۶۴

ISBN 964 - 94591 - 0 - 3

انتشارات رسول اکرم ﷺ

آدرس: قم - کدپستی ۴۳۳۹۴ - ۳۷۱۵۸ تلفن ۷۲۲۰۳۹۷ - ۰۲۵۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ»

خداوندا! در فرج ولی خودت تعجیل فرما!

مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ»

هر کس مهدی را انکار نماید به راستی کفر ورزیده است.

خداوندا! در این هنگام و برای همیشه ولی امرت امام زمان حجة بن الحسن را (که درودهایت بر او و پدرانیش باد) سر پرست و نگهدار و رهبر و یاور و رهنما و نگهبان باش تا گیتی را به فرمان او آوری و تا دیر زمان بهره‌مندش گردانی.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر حجة بن الحسن علیه السلام را درک کنم همانا تمام عمر خدمتگزار او خواهم بود.»

۱. ترجمه یوم الخلاص، ص ۱۵، به نقل از عقدالدرر، ص ۱۵۷

۲. ترجمه یوم الخلاص، ص ۱۵، به نقل از عقدالدرر، ص ۱۵۷

فهرست

بخش اول: در اثبات مهدویت (عج)

۱۱ طلیعه
۱۲ ورودی
۱۳ مهدویت شخصی است نه نوعی
۱۵ «امام» در لغت
۱۶ فصل اول
۱۶ مهدویت در عالم نور
۱۶ موضوع مهدویت در علم الهی
۱۶ تقدیم حقیقت مهدویت
۱۸ نور مهدویت از عرش تا آدم <small>علیه السلام</small>
۱۸ نور، در نور <small>علیه السلام</small>
۲۰ سفر نور، به عرش الهی
۲۰ مهدی (عج) و معراج
۲۳ فصل دوم
۲۳ مهدویت از آدم <small>علیه السلام</small> تا خاتم <small>علیه السلام</small>
۳۳ فصل سوم
۳۳ جایگاه مهدی (عج) در میان فرشتگان
۳۵ فصل چهارم
۳۵ مهدی (عج) در قرآن
۳۸ فصل پنجم
۳۸ انسانیت در انتظار مهدی (عج)
۴۰ نام حضرات ائمه <small>علیهم السلام</small> در تورات
۴۵ فصل ششم
۴۵ آثاری در اثبات مهدویت به زبان های مختلف



۴۶ فصل هفتم:
۴۶ مهدی (عج) از نگاه پیشوایان معصوم <small>علیهم السلام</small>
۴۶ حضرت محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>
۵۰ مهدی (عج) از دیدگاه فرزندان فاطمه <small>علیها السلام</small>
۵۶ فصل هشتم:
۵۶ تولد نور
۵۶ معرفی اجمالی امام زمان (عج)
۵۷ سیمای آن حضرت <small>علیه السلام</small>
۵۸ امام زمان (عج) قطب عالم امکان
۵۸ یک تجربه علمی
۶۱ فصل نهم:
۶۱ تولد مهدی (عج) از دیدگاه اهل سنت
۶۳ دبیر کل جهان اسلام!
۶۶ فصل دهم:
۶۶ ویژگی های مهدی موعود (عج)
۶۸ خورشید در پشت ابر
بخش دوم: نسیم ظهور	
۷۲ فصل اول:
۷۲ سیری در حاکمیت دینی
۷۲ حکومت دینی انبیا
۸۰ فصل دوم:
۸۰ اوج اندیشه حکومت دینی در غرب
۸۶ فصل سوم:
۸۶ آینده جهان در بیانات پیشوایان معصوم <small>علیهم السلام</small>
۹۳ فصل چهارم:
۹۳ دیدگاه جمعی از آیات و حجج اسلام در خصوص نزدیک بودن ظهور
۹۸ فصل پنجم:

۹۸ نزدیک بودن ظهور از نگاه دانشمندان غرب
۱۰۱ فصل ششم
۱۰۱ آینده جهان از دیدگاه های مختلف
۱۰۹ آب زیند راه را.
۱۱۱ فجر صادق
۱۱۵ جلوه هایی از حکومت جهانی مهدی (عج)
۱۱۷ حاکمیت اسلام بر جهان
۱۱۷ در سایه حکومت جهانی مهدی (عج)
۱۱۹ اعتقاد مسیحیت در خصوص مهدی (عج)
۱۲۱ جمع بندی و نتیجه

بخش اول

در اثبات مهدویت (عج)

طلیعه

مهدیا، بیا!

ای کسی که مادرت فاطمه علیها السلام در سخت‌ترین و غمناک‌ترین مرحله زندگی خود؛ یعنی آنگاه که دست‌های پدر مظلومت حضرت امیرمؤمنان، علی علیه السلام را بسته دید و خود را در حلقه محاصره آتش و دشمن و در و دیوار دید، از اعماق قلب شکسته‌اش فریاد زد: فرزندم! مهدی، کجایی؟

مهدیا، بیا!

ای امید همه مظلومان تاریخ، ای پیام آور قرآن، ای عطر دل‌انگیز گلزار گلستان نبوت و امامت، ای در انتظارت عدالت، ای نماد ولایت، ای آیینه شفاف عبادت، ای تجدیدکننده بنای آدمیت، ای تمامی بشر را چراغ راه هدایت، ای تحقق‌ساز واقعی وحدت.

بیا، مهدیا!

و هم‌چون آدم ساختار جدید آدمیت را بنا کن. و هم‌چون ابراهیم تمامی بت‌های ساختگی را در هم شکن و فرو ریز و ندای توحید را سر ده. و هم‌چون موسی، فرعونیان ستمگر را، در دریایی از آتش غرق‌ساز و آن کار نیمه تمام جد بزرگوارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و پدرت امیرمؤمنان علیه السلام را به پایان برسان.

مهدیا، بیا!

ای عمامة رسول الله صلی الله علیه و آله بر سر، و پیراهن مبارک او بر تن، و کفش متبرکش بر پای، و قرآنش در سینه و ای شمشیر علی علیه السلام در دست و ای دارای همه صفات بی‌بدیل پدران، ای عصای موسی در دست، ای

نگین سلیمانی در انگشت و سنگینی غم‌های ایوب بر پشت و... می‌بینی
 که اینک بندگان شایسته‌ی خداوند در جستجوی کشتی نجاتند، چرا
 نمی‌آیی؟!
 آری، با حتم و یقین می‌توان گفت: نسیم ظهورت وزیدن گرفته است
 ان شاء الله.

ورودی

پیش از پردازش به مباحث اصلی این بخش، تبیین و تفهیم اصطلاح «مهدویت»
 ضروری است.

«مهدویت» یعنی چه؟

گاهی از کاربرد تعبیر «مهدویت»، اراده‌ی مطلق این معنا در تمام ادیان و مذاهب و
 ملل است و گاهی منظور از آن، مهدویت در اسلام است. بخش نخستین آن، که
 مهدویت در ادیان و مذاهب و ملل است، در سیر مباحث آینده، روشن می‌شود.
 بنابراین، در اینجا به بخش دوم، که مهدویت در اسلام است می‌پردازیم:

مهدویت در اسلام

مهدویت در اسلام؛ یعنی اعتقاد به وجود امام زمان (عج) که آخرین برگزیده‌ی خدا
 است. او خواهد آمد و با انقلاب و قیام جهانی خود، سراسر گیتی را زیر یک پرچم و
 قانون و دین در خواهد آورد، که همانا پرچم و آیین اسلام و تعالیم قرآن مجید است.
 او حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد داد و به واسطه‌ی او اعتقاد تمام بشر توحیدی
 خواهد شد و به اسلام ناب محمدی روی خواهد آورد و به تمام آن قوانین و احکام
 الهی عمل خواهد شد.

آری، او به تمامی مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی فرهنگی، نظامی، اخلاقی

و... جامهٔ عمل خواهد پوشید؛ به عبارتی دیگر، همان چیزی را که از آغاز آفرینش انسان، همه در آرزوی آن بوده‌اند و به آن نرسیده‌اند، به دست «مهدی موعود»، امام دوازدهم ما، حضرت ولی عصر (عج) برای انسانیت تحقق خواهد یافت.

نکته‌ای دیگر، که گروهی همواره آن را دست آویزی قرار داده‌اند و پیوسته از آن سوء استفاده کرده‌اند، این است که: گفته‌اند: منظور از مهدویت، شخص معین و فرد خاص با شناسنامهٔ ویژه نیست، بلکه منظور مهدویت نوعی است. و با سوء استفاده از همین تعبیر بوده که تاریخ شاهد مدعیان مهدویت دروغین بسیار بوده است.

مهدویت شخصی است نه نوعی

در ردّ نوعی بودن مهدویت، بیش از سه هزار روایت وجود دارد که در کتب فریقین (شیعه و سنی) آمده و به نحو مطلوبی تنظیم گردیده است، و همهٔ آن روایات دلالت دارد که «مهدویت» شخصی است نه نوعی و مهدی موعود (عج) از نسل ائمه است:

۱- ائمه علیهم‌السلام دوازده نفرند؛ نخستین آنان علی علیه‌السلام و آخرینشان مهدی (عج) است (۹۱ روایت).

۲- ائمه دوازده نفرند و آخرشان مهدی (عج) است (۹۲ روایت).

۳- ائمه دوازده نفرند و نه نفر آنها از نسل امام حسین علیه‌السلام است که نهمین آنها قائم آنها است (۱۰۷ روایت).

۴- ائمه دوازده نفرند با قید نام هر یک آنها (۵۰ روایت).

۵- به ظهور حضرت مهدی (عج) بشارت داده شده است (۶۵۷ روایت).

۶- مهدی (عج) از اهل بیت علیهم‌السلام است (۳۸۹ روایت).

- ۷- نام حضرت مهدی (عج) نام رسول خدا ﷺ و کنیه اش کنیه او و شبیه ترین مردم به آن حضرت است (۲۸ روایت).
- ۸- از فرزندان حضرت سجاد علیه السلام است (۱۸۵ روایت).
- ۹- حضرت مهدی (عج) نهمین امام از فرزندان امام حسین علیه السلام است (۱۶۰ روایت).
- ۱۰- از فرزندان امام محمد باقر علیه السلام است (۱۰۳ روایت).
- ۱۱- از فرزندان امام جعفر صادق علیه السلام است (۱۰۳ روایت).
- ۱۲- حضرت مهدی (عج) از فرزندان امام کاظم علیه السلام است (۱۰۱ روایت).
- ۱۳- چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام است (۹۵ روایت).
- ۱۴- حضرت مهدی (عج) سومین فرزند امام جواد علیه السلام است (۹۰ روایت).
- ۱۵- مهدی (عج) از اولاد امام هدی علیه السلام است (۹۰ روایت).
- ۱۶- آن حضرت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است (۱۴۶ روایت).
- ۱۷- دوازدهمین امام و خاتم اوصیا است (۱۳۶ روایت).
- ۱۸- اسم پدر حضرت مهدی (عج) امام حسن علیه السلام است (۱۴۷ روایت).
- ۱۹- زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد (۱۲۳ روایت).
- ۲۰- در غیبت طولانی خواهد بود (۹۱ روایت).^۱

و اینک مادر زمانی به بیان تاریخ تولد و مشخصات نسبی و معرفی اجمالی آن حضرت می پردازیم که سرگذشت دقیق او کلاً بیان شده، و توسط محدثان و تاریخ نگاران تدوین یافته است. وسعت سرگذشت آن حضرت به گستره تاریخ است و به بیانی دیگر؛ حقیقت نور آن حضرت، هدیه ای است که از عرش آمد. او به علم اجمالی الهی، پیش از آفرینش موجودات، در عین کشف تفصیلی رسید.

۱. موج انتظار، ص ۹۹-۱۰۰ به نقل از منتخب الاثر، همه در انتظار اویند، ص ۱۵۷

«امام» در لغت :

امام، در لغتِ عرب، به معنای مقتدا و پیشوا و در اصطلاح فرقهٔ ناجیه، به معنای پیش نماز است. در علم کلام، امام آن است که از جانب خدا به خلافت و نیابت رسول خدا ﷺ معین شده باشد، و گاهی به پیغمبر نیز اطلاق می‌شود.

در اخبار و روایات، مرتبهٔ امامت بالاتر از مرتبهٔ پیغمبر است،^۱ همانگونه که خداوند به ابراهیم فرمود: «...إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...»^۲.

۲. بقره: ۱۲۴

۱. حیوة القلوب، ج ۵، ص ۱۷-۱۸

فصل اول

مهدویت در عالم نور

موضوع مهدویت در علم الهی

چنانچه بخواهیم نقطه نخستینی، برای آغاز پیدایش بحث «مهدویت» بیابیم، باید موضوع را، در همان علم اجمالی الهی قبل از آفرینش در عین کشف تفصیلی - مبنی بر دیدگاه صدر المتألهین شیرازی - جویا شویم. یعنی دقیقاً از همان زمانی که خداوند، آفرینش این نظام هستی را اراده نمود «اصل مهدویت» نیز به عنوان یکی از رؤوس اهداف الهی برای برقراری عدالت مطرح بوده است.

تقدیم حقیقت مهدویت

دراینکه حقیقت پیامبر ﷺ پیش از همه پیامبران وجود داشته، تردیدی نیست. از این رو است که او را، پدر ارواح و آدم را، پدر اشباح دانسته‌اند. ابن عباس می‌گوید: محضر رسول خدا ﷺ بودیم که علی علیه السلام وارد شد. تا چشم حضرت به او افتاد، به چهره‌اش لبخندی زد و فرمود:

«مرحبا به آن که خداوند او را پیش از هر چیز آفرید...»

در روایات بسیاری وارد شده است که حضرت محمد ﷺ پیامبر بود، در حالی که آدم هنوز میان آب و گِل بوده است.

شیخ سلیمان قندوزی می گوید:

«خداوند نخست از نور ذات اقدس خود، حقیقت محمدیه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را که جامع عوالم غیب و شهود و محیط به مقامات ملکوتی و جبروتی است، آفرید. و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بهترین آفریدگان و مبدأ ایجاد عوالم قرار داد...»^۱

و بر اساس آیات و روایات این امر نیز ثابت شده است که حقیقت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلِيٌّ یکی است.

و اشاره به ادله ای همچون: آیه شریفه قرآن^۲ در قضیه مباحله بانصارا کافی است. که خداوند علی عَلِيٌّ را جان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شناساند و احادیث فراوانی وجود دارد که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علی عَلِيٌّ را جان خود معرفی کرد. اکنون نمونه هایی از آن را می آوریم و به همان بسنده می کنیم:

حضرت فاطمه عَلِيَّاهَا عرضه داشت: ای رسول خدا، ندیدم درباره علی چیزی بگویی! فرمود: «علی جان من است، مگر دیده ای کسی درباره خود چیزی بگوید؟!»^۳ در روایت است که از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره برخی از یاران آن حضرت پرسیدند و حضرت پاسخ داد، کسی پرسید: پس علی عَلِيٌّ چگونه؟ فرمود: «تو از مردم پرسیدی، از خودم که پرسیدی!» آن حضرت همچنین فرمود:

«ای علی، تو نسبت به من مانند روح در بدنم هستی.»^۴

از آنجا که چهارده معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام یک نورند، می توان از سیر چنین آیات و روایات چنین نتیجه گرفت که:

* مهدویت بر دیگر آفریدگان تقدم دارد.

* تمامی علوم، معارف و حقایق به واسطه آن دو بزرگوار و فرزندان معصومشان به تمام موجودات افاضه می شود.

۱. منابع المودة، مقدمه، ص ۱

۲. آل عمران: ۶۱

۳. کفایة الطالب، باب ۷۱، ص ۲۸۹

۴. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۹۶

اکنون می پردازیم به سیر انتقال نور مهدی (عج) به صُلب آدم علیه السلام:

نور مهدویت از عرش تا آدم علیه السلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا خداوند مرا و علی و فاطمه و حسن و حسین را آفرید، پیش از آنکه آدم را بیافریند، در آن هنگام که نه آسمانی بنا شده بود و نه زمین پهناوری وجود داشت، نه نوری بود و نه ظلمتی، نه ماهی بود و نه خورشیدی و نه بهستی بود و نه دوزخی.»^۱

سفیان ثوری نقل می کند که امام صادق علیه السلام از پدرانش و سرانجام به نقل از امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود:

«همانا خداوند تبارک و تعالی نور محمد صلی الله علیه و آله را آفرید، قبل از آفرینش آسمان، زمین، عرش، کرسی، لوح، قلم، بهشت و جهنم و پیش از خلقت آدم، نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یحیی، موسی، عیسی، داود و سلیمان، آنهم چهار صد و بیست و چهار هزار سال قبل از خلقت تمام انبیا.

پس از آفرینش نور محمد صلی الله علیه و آله، دوازده حجاب به نام های: قدرت، عظمت، عزت، رحمت، سعادت، کرامت، منزلت، هدایت، نبوت، رفعت، هیبت، حجاب و شفاعت آفرید و...

و پس از آن نام محمد صلی الله علیه و آله را به مدت چهار هزار سال بر لوح آشکار ساخت در حال درخشش و سپس به مدت هفت هزار سال بر ساق عرش ثابت ماند و سرانجام پس از گذشت مدت زمانی، آن نور را به صُلب آدم علیه السلام انتقال داد.»

نور، در نور

در سوره مبارکه نور، به وجود مبارک امام زمان (عج) تصریح شده است. در کتاب «غایة المراد» و غیر آن، از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده که گفت:

۱. بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۰

وارد مسجد کوفه شدم در حالی که امیر مؤمنان، علی علیه السلام با انگشتان مبارک می نوشت و تبسم می فرمود. پرسیدم: ای امیر مؤمنان، چه چیز تو را به خنده آورده است؟! فرمود: عجب دارم از آنکه می خواند این آیه را و معرفت حقیقی به آن نمی یابد! عرض کردم: کدام آیه است ای امیر المؤمنین، فرمود:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...» تا آخر «...مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ...»

«مِشْكَاةٍ» محمد صلی الله علیه و آله است.

«فِيهَا مِصْبَاحٌ» منم مصباح.

«زُجَاجَةٌ الزُّجَاجَةُ» حسن و حسین هستند.

«كَأَنَّهَا كَوَاكِبٌ دُرِّيٌّ» علی بن حسین است.

«يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» محمد بن علی است.

«زَيْتُونَةٍ» جعفر بن محمد است.

«لَا شَرْقِيَّةٌ» موسی بن جعفر است.

«وَلَا غَرْبِيَّةٌ» علی بن موسی الرضا است.

«يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» محمد بن علی است.

«وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ» علی بن محمد است.

«نُورٌ عَلَى نُورٍ» حسن بن علی است.

«يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» قائم ما مهدی (عج) است.

در برخی از اخبار معراج آمده است که نور آن جناب در عالم اظله میان انوار و اشباح ائمه علیهم السلام مانند ستاره ای درخشان در میان سایر کواکب بود. و در خبری است، چون ستاره صبح برای اهل دنیا است.^۱

سفر نور، به عرش الهی

از ویژگی‌های آن حضرت است که، در بدو تولد سفر به عرش الهی داشت. قنذاقه آن مولود مبارک را در روز ولادت به سراپرده عرش بردند. خداوند تبارک و تعالی خطاب به او فرمود: «مرحبا به تو ای بنده من! تو را آفریدم، برای نصرت دینم، آشکار ساختن اراده‌ام و هدایتگری بندگانم. همانا سوگند خوردم که به خاطر تو بدهم و نیز به واسطه تو بگیرم و به سبب تو پیامرزم و به خاطر تو عذاب کنم.»^۱

مهدی (عج) و معراج

جابر بن یزید جعفی روایت کرده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: در شب معراج، خداوند فرمود: «...ای محمد! همانا من آفریدم علی، فاطمه، حسن و حسین و الله را از یک نور، آنگاه عرضه داشتم ولایت ایشان را بر فرشتگان، پس هر که آن ولایت را پذیرفت از مقرّبان شد و هر کس انکار کرد از کافران شد. ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگانم آنقدر مرا عبادت کند که نزدیک به هلاکت برسد، ولی ولایت ایشان را منکر شود، او را به آتش خود داخل کنم. آنگاه فرمود: «ای محمد! آیا دوست داری که ایشان را ببینی؟ گفتم: «آری» فرمود: «پیش برو در جلو خود، پس پیش رفتم، دیدم علی بن ابی طالب و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجّت قائم را که گویا مثل ستاره درخشانی است در وسط ایشان. پس عرض کردم: «ای پروردگار من! کیستند اینها؟» فرمود: ایشان امامند و این کسی که ایستاده است حلال می‌کند حلال را و حرام می‌کند حرام را و از دشمنان من انتقام می‌گیرد. ای محمد! او را دوست بدار؛ زیرا که

من او را دوست دارم و دوست دارم کسی که او را دوست بدارد.»^۱
 و ابن عباس نیز به همین مضمون روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: در شب معراج وقتی به سدرۃ المنتهی رسیدم... خداوند عالمیان فرمود: «ما هیچ پیغمبری به دنیا و اهل دنیا نفرستادیم، مگر آنکه در پایان نبوت و عمر خود جانشینی برای خود در جهت هدایت امت انتخاب کند برای پاسداری از شریعت او. پس ما علی بن ابی طالب را خلیفه تو و امام امت تو و سپس حسن و حسین و... حجت قائم علیه السلام قرار دادیم سپس فرمود: ای محمد! سر بالا کن! چون سر بالا کردم انوار علی، حسن، حسین و نه تن از فرزندان حسین را دیدم و حجت در میان ایشان چون ستاره‌ای می درخشید. سپس خداوند فرمود: «اینها خلیفه‌ها و حجت‌های من هستند در زمین و جانشینان تو بعد از تو. خوشا به حال کسی که ایشان را دوست بدارد و وای به حال کسی که ایشان را دشمن بدارد.»^۲

ابن عباس روایت کرده است که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«خداوند به مدت دوازده هزار سال قبل از خلقت آدم، نور مرا زیر عرش خود آفرید. و پس از آنکه آدم را خلق کرد، آن نور را به صُلب او انتقال داد و همچنان این نور را از صُلبی به صُلب دیگر منتقل کرد تا این نور به صُلب عبدالله بن عبدالمطلب و صلب ابو طالب رسید.»^۳

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

«ما، پانزده هزار سال قبل از خلقت آدم علیه السلام شبح‌های نوری بودیم در اطراف عرش و خداوند را تسبیح می نمودیم.»^۴

هم چنین انس می گوید: شنیدم که رسول خدا ﷺ می فرمود:

«من و علی به مدت دو هزار سال قبل از خلقت آدم علیه السلام در سمت راست عرش،

۱. نجم الثاقب، صص ۱۴۰-۱۴۱

۲. همان، ص ۳۱۷

۳. بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۷

۴. همان، ج ۱۵، ص ۶

خداوند را تسبیح می‌گفتیم. و پس از خلقت آدم، خداوند ما را به صلب او انتقال داد و...»^۱

حال به خوبی از سیر مجموعه این احادیث و روایات فراوان، چگونگی انتقال نور مهدی «عج» را که همان نور محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلِيٌّ است، به صلب آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ نتیجه می‌گیریم.

فصل دوم

مهدویت از آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ تا خاتم عَلَيْهِ السَّلَامُ

در این بخش، بحث مبسوط لازم است و باید در ابعاد گسترده‌ای به پژوهش پرداخت؛ البته تا آنجا که حوصله این نوشته اجازه می‌دهد. باید گام به گام، همراه این تاریخ پر از خاطره و دست در دست پیامبران، به جست‌وجو پردازیم و جایگاه مهدی (عج) را در قول و عمل بیابیم.

آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ

زمانی که خلقت آدم به پایان رسید، خداوند متعال به فرشتگان امر کرد که بر آدم سجده کنید، به جز ابلیس همه اطاعت کردند.^۱

این سجده به معنای تکریم و تعظیم جریان شخصیت انسان کامل است؛ یعنی قضیه منحصر به شخص آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ نبود، بلکه منظور آن نور مقدس و هدیه عرش؛ یعنی وجود مبارک رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امیر مؤمنان، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ و یازده اختر تابناک از فرزندان او بوده است. که از آن جمله «مهدی (عج)» هم آن روز مسجود ملائکه بوده و هم امروز. پس تکریم آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ به خاطر «مهدی (عج)» بوده است.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «..سجود ملائکه برای خدا از عبودیت بود و برای آدم از

۱. اعراف: ۱۱؛ ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ﴾.

باب تکریم و اطاعت و برای اینکه ما، در صلب او بودیم.»^۱
 جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت در تفسیر آیه:

«وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا...»^۲

فرمود: «عهدی که خداوند با آدم بست در خصوص محمد صلی الله علیه و آله و امامان بعد از او بود که آدم ترک کرد و... و اینکه چرا برخی از پیامبران اولی العزم نامیده شدند، برای اینکه خداوند (در اصول دین، و شریعتشان) در مورد محمد صلی الله علیه و آله و جانشینان بعد از او و مهدی (عج) و سیره او با آنها پیمان بست و آن‌ها پذیرفتند و اقرار و اعتراف به آن کردند.»^۳

و هم چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«نبوت هیچ یک از انبیا تکمیل و پذیرفته نشد مگر بعد از اقرار به نبوت من و ولایت اهل بیت من و اطاعت از ایشان».

و امام کاظم علیه السلام نیز فرمود:

«ولایت علی علیه السلام نوشته شده در تمامی صحف پیامبران، و هرگز به پیامبری انتخاب نشدند مگر بعد از اقرار به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام».^۴

و چکیده مطلب این است که: ابلاغ هیچ یک از پیامبران، از جانب حق تعالی صادر و امضا نشده است، مگر بعد از پذیرفتن شرایطی، اصولی و اساسی. که از آن جمله‌اند: پذیرش نبوت کامل حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت امیر مؤمنان، علی علیه السلام و فرزندان معصوم آن حضرت و سرانجام ولایت و حاکمیت مطلق امام زمان (عج) و سیره و روش حکومتی آن بزرگوار.

و درجات و مقامات پیامبران نیز بر اساس درجه اعتقادشان و پذیرش و اقرار به

۲. طه: ۱۱۵

۴. همان، صص ۷۲ و ۷۳

۱. بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۴۰

۳. بصائر الدرجات، ص ۷۰

این امر مهم بستگی داشته است.

تا آنجا که حتی قبولی کارهای نیک و آمرزش گناهان هر یک از بندگان خداوند منحصر به پیمودن این راه؛ یعنی اقرار به ولایت مطلقه امیر المؤمنین، علی علیه السلام و... امام زمان (عج) شده است. اما اینکه چرا خداوند این مقام ویژه را به محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او عنایت کرد، پاسخی مفصل دارد، ولی به طور اجمال از این قرار است:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

بعضی از قریش از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند چه چیز باعث پیشی گرفتن تو و خاتمیت حضرتت به پیشگاه خداوند شد؟!^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در عالم «ذر» من اول کسی بودم که اقرار به ربوبیت خداوند کردم. و اول کسی که پاسخ خداوند - عزوجل - را داد من بودم؛ یعنی وقتی که خداوند در مقام عهد گرفتن از پیامبران بود، پرسید آیا من پروردگار شما نیستم؟ پس در میان پیامبران نیز من نخستین کسی بودم که به پروردگار پاسخ مثبت داد.^۱

نفوذ بیگانه؟

امام صادق علیه السلام می فرماید: «روزی مردی به محضر امیر مؤمنان علیه السلام آمد، وی در جمع اصحابش بود. آن مرد سلام کرده، گفت:

به خدا سوگند که من تو را دوست می دارم و ولایت تو را پذیرفته ام. حضرت فرمود: «تو کیستی که چنین می گویی؟ وای بر تو، همانا خداوند، ارواح را دو هزار سال قبل از آفرینش ابدان خلق کرد و دوستان ما را در آن تاریخ به ما شناساند و من روح تو را، در آن جمع ندیدم. پس اگر از دوستان ما هستی آن روز کجا بودی؟ و چرا قسم به دروغ یاد می کنی؟»

آن مرد در پاسخ سکوت کرد و از آن تاریخ به بعد نزد امیر مؤمنان علیه السلام بازنگشت.^۲

احادیث و روایاتی در این خصوص نیز با مختصر تفاوتی در الفاظ و عبارتها، بسیار وجود دارد.

مقام والای مهدی (عج) در میان پیامبران

مهدی (عج) وارث علوم اولین و آخرین است. اسم کامل اعظم الهی که شامل هفتاد و دو حرف است، نزد امام زمان (عج) است. جفر، جامعه و مصحف فاطمه علیها السلام و آن صحیفه جامعیه که طول آن هفتاد ذراع است، و تمامی آن به املائی شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و به دست مبارک امیر مؤمنان علیه السلام است و تمام کتب آسمانی نزد مهدی (عج) است که هیچ یک از پیامبران این توفیق را نداشته‌اند. مهدی (عج) قادر به تمامی معجزات پیامبران گذشته هست. اساساً تمام امر دنیا و آخرت مانند سکه‌ای است در دست مبارک مهدی (عج) که یک روی آن مربوط به دنیا است و روی دیگرش مربوط به آخرت است.

حسین بن خالد می‌گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

«نقش انگشتر آدم علیه السلام «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بود که وقتی از بهشت به زمین هبوط کرد به همراه داشت.»^۱

ابن ظبیان می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«در زمان آدم علیه السلام روزی میان فرزندان او بحثی مطرح شد که بهترین خلق خدا کیست؟ آیا پدر ما، آدم برترین مخلوقات است، یا فرشتگان مقرب الهی، یا حامل کنندگان عرش و...؟ در پی این گفتگو هبة الله رسید، از او پرسیدند، وی گفت کمی صبر کنید تا باز گردم، او خدمت پدرش (آدم علیه السلام) رفت و موضوع را بیان کرد و گفت چون نمی‌دانستم به خدمت شما رسیدم. آدم علیه السلام گفت: «پسرم! آن‌گاه که به پیشگاه خداوند ایستادم، نوشته‌ای را بر سیمای عرش دیدم، نوشته بود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خَيْرٌ مِّنْ بَرٍّ أَلَّهِ»^۱.
 به نام خداوند بخشنده مهربان، محمد و اهل بیت محمد بهترین
 آفریدگان خداوند.»

شباهت مهدی (عج) به آدم علیه السلام

نمونه هایی از شباهت های آن حضرت را به آدم علیه السلام می آوریم:
 خداوند آدم را خلیفه خود در تمام زمین قرار داد و او را وارث آن ساخت و در
 قرآن چنین فرمود: «...إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...»
 و خداوند حضرت حجت علیه السلام را نیز وارث زمین خواهد ساخت و خلیفه خود
 در زمین خواهد کرد.
 آدم علیه السلام در فراق بهشت بسیار گریست، تا اینکه از دو گونه اش مانند آبراه هایی
 جاری شد.

از امام صادق علیه السلام نیز همین معنی روایت شده است.
 حضرت قائم علیه السلام نیز مانند آدم گریه بسیار دارد، چنانکه در زیارت ناحیه مقدسه
 از آن حضرت است که خطاب به جدش حسین علیه السلام می گوید:
 «شب و روز برایت ندبه می کنم و به جای اشک بر تو خون می گیرم.»
 و خداوند به آدم علیه السلام تمام اسم ها را آموخت و به حضرت قائم (عج) تمام بیست و
 هفت حرف از علوم را تعلیم داد و آدم علیه السلام زمین را با عبادت زنده کرد و حضرت قائم
 نیز زمین را با عبادت، عدالت و اجرای حدود زنده خواهد کرد.^۲

نوح علیه السلام

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷

۱. همان، ج ۱۱، ص ۱۱۵

چندی پیش، باستان شناسان در کشور شوروی در حال کند و کاو و تحقیق بودند، که به پاره تخته‌هایی از کشتی نوح برخوردند که بر آنها خطوطی نیز نقش بسته بود، آنها را ترجمه کردند نام مقدس پنج تن آل عبا؛ یعنی حضرت محمد ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را یافتند. مگر نه این است که وعده به بعثت حضرت خاتم ﷺ و اعتقاد به ولایت حضرت امیر مؤمنان، علی ﷺ و فرزندان معصوم آن حضرت به ویژه وعده به ظهور یک مصلح غیبی در آخر الزمان جزئی از رسالت تمامی پیامبران و سفیران الهی بوده است؟!

«نویدهای مصلح غیبی از زبان پیامبران اولوالعزم به ما رسیده است و حداقل ۶۰ قرن (۶۰۰۰ سال) این نویدها دست به دست هم گشته و امروز به دست ما رسیده است. سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی، بر اهمیت موضوع افزوده و مسأله را برای ما قطعی تر کرده است»^۱.

ابراهیم ﷺ

افزون بر شباهت های حضرت حجت (عج) به ابراهیم ﷺ یکی از مراحل تکمیلی رسالت تمامی پیامبران، حتی پیغمبران اولوالعزم پذیرش ولایت امیر المؤمنین، علی ﷺ و فرزندان معصوم آن بزرگوار بوده است.

آن گونه که در روایات آمده است، برخی از پیامبران نیز برای اثبات غیبت امام زمان (عج) غیبت هایی کوتاه و بلند مدت داشته‌اند.

از آن جمله می‌توان از: ادریس پیامبر مدت بیست سال، صالح پیامبر، یوسف، موسی و ابراهیم ﷺ نام برد.

در مورد شباهت داشتن دو غیبت صغری و کبری ابراهیم ﷺ با امام زمان (عج) شیخ صدوق به سند خود از امام صادق ﷺ روایتی نقل کرده است که فرمود: «پدر

ابراهیم، منجم نمرود بن کنعان بود. روزی به نمرود گفت: در مملکت ما کودکی به دنیا خواهد آمد که نابودی ما همه به دست اوست. نمرود در پی این پیش بینی، زنان را از مردان جدا کرد. در همین ایام پدر ابراهیم با همسرش در آمیخت و زن باردار شد. نمرود قابله‌ها را مأمور کرد که زنان را بازرسی کنند و اگر زنی را باردار دیدند به وی اطلاع دهند. قابله‌ها مادر ابراهیم علیه السلام را نیز واریسی کردند و خداوند جنینی را که در رحم بود به پشت وی انتقال داد، از این رو قابله‌ها گفتند: او باردار نیست.

چون مادر ابراهیم بزاد، پدرش خواست کودک را نزد نمرود ببرد، اما مادرش مانع شد و به وی گفت اگر این کودک را نزد نمرود ببری او را خواهد کشت. بگذار او را به غار ببرم و در همانجا رهایش کنم تا عمرش به سر آید. پس کودک را به غار برد و در آنجا به وی شیر داد سپس او را در غار رها کرد و درش را با صخره‌ای بست و خود باز گشت. خداوند از طریق انگشت ابهام به وی خوراک می‌داد. بدین گونه که ابراهیم آن انگشت را می‌مکید. در یک روز به اندازه یک هفته و در یک هفته به اندازه یک ماه و در یک ماه به اندازه یک سال رشد می‌یافت. پس از مدتی مادر ابراهیم از شوهرش اجازه خواست تا به دیدار فرزندش برود وقتی به غار وارد شد به ناگاه ابراهیم را دید که چشمانش چون چراغ می‌درخشد، او را در آغوش گرفت و شیرش داد و بازگشت. پدر ابراهیم از وضع کودک پرسید، زن پاسخ داد که ابراهیم را زنده به گور کرده است و پی در پی عذر و بهانه می‌آورد تا آنکه در طلب حاجتی از خانه بیرون شد و به سوی غار رفت و ابراهیم را در آغوش گرفت و شیرش داد و بازگشت. هنگامی که مادر قصد بازگشت داشت ابراهیم دامن او را گرفت و به مادر گفت: مرا با خود ببر، مادر جواب داد، باید از پدرت اجازه بگیرم، ابراهیم همچنان در غار ماند و خود را از دیدگان پنهان می‌کرد تا آن که به امر خدا وظیفه یافت از غار خارج شود. سپس غیبت دوم برایش رخ داد و آن هنگامی بود که طاغوت عصر، وی را از مصر بیرون راند و ابراهیم گفت: من

از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید بیزارم.^۱

موسی بن عمران علیه السلام

هر یک از پیامبران الهی که نسبت به مهدی (عج) معرفتی پیدا کردند و نسبت به ویژگی های آن حضرت شناختی به دست آوردند، به مقام و عظمت آن بزرگوار غبطه می خوردند و چه بسا همان بزرگی را از خداوند در خواست می کردند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«روزی موسی بن عمران، سفر اول را مطالعه کرد، در مورد آنچه که به قائم آل محمد داده می شد و به ویژگی های او توجه کرد. دعا کرد: «خدایا! مرا قائم آل محمد قرار ده.» به او گفتند: قائم آل محمد از نسل احمد است. پس سفر دوم را مطالعه کرد، همان ویژگی ها را یافت و همان دعا را کرد و همان پاسخ را شنید. سپس سفر سوم را نیز مطالعه کرد، همان امتیازات را در مورد قائم آل محمد دید، همان خواهش را کرد، باز همان پاسخ را شنید؛ قائم آل محمد از نسل احمد است.»^۲

عصای موسی

امام باقر علیه السلام فرمود:

«عصای موسی از آدم بود و به شعیب رسیده بود. و از شعیب به موسی علیه السلام رسیده و اکنون نزد ماست، در همین نزدیکی او را دیده ام آن سبز است، مانند همان روزی که آن را از درخت بریده اند. و چون با آن سخن می گویی حرف می زند، آن برای قائم آل محمد صلوات الله علیه مهیا شده است و...»^۳

آن زمانی که حضرت موسی و قومش بنی اسرائیل خود را در محاصره دشمن و

۱. سیره معصومان علیهم السلام، صص ۳۱۸ و ۳۱۹ ۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۷

۳. تاریخ پیامبران، ج ۱، ص ۶۰۹ به نقل از کافی، ج ۱، ص ۲۳۱

دریا، دیدند، از خداوند چاره خواستند.

«پس خداوند وحی فرستاد به سوی موسی که: بزن عصای خود را به دریا و بگو: خداوندا! به حق محمد ﷺ و اهل بیت او ﷺ دریا را برای ما بشکاف و خشک گردان. چون این بگفت دریا شکافته شد و زمین دریا، تا آخر خلیج آشکار گردید و فرمان رسید از جانب حق تعالی که داخل شوید و...»^۱

حضرت عیسیٰ ﷺ

جمعی از یاران عیسیٰ ﷺ در بیت المقدس از آن حضرت درباره آینده جهان پرسیدند: که چه خواهد شد؟

حضرت در پاسخ فرمود: «بعد از من پیغمبری خواهد آمد که نام او احمد ﷺ است، یکی از فرزندان او (مهدی، عیج) حجت خدا بر انسان ها خواهد شد، او پس از آنکه زمین پر از ظلم و جور شده قیام می کند، و جهان را پر از عدل و داد می نماید، من در زمان ظهور او از آسمان به زمین نزول خواهم کرد و ظهور من نشانه ای از قیامت است.»^۲

از امام حسن مجتبیٰ ﷺ نیز منقول است که: «عمر حضرت عیسیٰ ﷺ در دنیای او سه سال بود، پس حق تعالی او را به آسمان برد و بر زمین فرود خواهد آمد در دمشق. و دجال را او خواهد کشت.»^۳

و نیز فرمود: «بعد از این، هیچ یک از ما، اهل بیت نخواهند بود مگر آنکه بیعت ظالمی که در زمان او باشد بر گردن او خواهد بود، مگر قائم ما، و عیسی بن مریم پشت سر او نماز گزارد که او با ظالمی بیعت نخواهد کرد.»^۴

۱. همان، ج ۱، ص ۶۵۰، به نقل از تفسیر امام حسن عسکری ﷺ، ص ۲۴۵
 ۲. نگاهی بر زندگی حضرت مهدی (عج)، ص ۸۱، به نقل از تاریخ انبیا، ص ۷۳۰
 ۳. تاریخ پیامبران، ج ۲، ص ۱۰۹۸، به نقل از تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۷۰
 ۴. کمال الدین، ص ۳۱، فرزند السمطین، ج ۲، ص ۱۲۴، و بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹

معمربن راشد روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:
 «مهدی (عج) از نسل من است. او زمانی که قیام کند، عیسی بن مریم جهت یاری
 او از آسمان به زمین نزول خواهد کرد و پشت سر او نماز خواهد گزارد.»
 و این روایات، برتری مقام امامان معصوم علیهم السلام را بر سایر پیامبران نیز ثابت
 می‌کند.

امام باقر علیه السلام در این خصوص فرمود:
 «به زدوی زمانی بر مردم بیاید که، نه خدایی بشناسند و نه توحیدی، تا وقتی که
 دجال خروج کند. و در آن وقت عیسی بن مریم از آسمان نزول کند، و دجال را
 خداوند به دست عیسی علیه السلام به قتل رساند، و پشت سر مردی از ما اهل بیت (مهدی عج)
 نماز گزارد. آیا با اینکه او پیغمبر بوده و به ما اقتدا می‌کند، دلیل برتری ما نیست؟!»^۱

فصل سوم

جایگاه مهدی (عج) در میان فرشتگان

بر اساس احادیث و روایات، مهدی (عج) در میان فرشتگان، بسیار مورد تکریم و تعظیم قرار گرفته است. هم از لحاظ بیعت مستقیم و رو در رو، و هم از جهت حمایت مستقیم در جنگ با دشمن و غیره.

حدیثی از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: «جبرئیل در جلو مهدی (عج) و میکائیل در سمت راست آن بزرگوار خواهند بود...»^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: «هر گاه قائم ما، قیام کند، خداوند او را به پنج هزار نفر از فرشتگان نشاندار، پشت سر هم، نازل شده و مقرب درگاه حق، یاری فرماید. جبرئیل در جلو، میکائیل سمت راست و اسرافیل در سمت چپ او حرکت می کنند، و رعب و وحشت، از هر سو بر دشمنان به اندازه مسیر یک ماه راه رفتن سایه افکنده و فرشتگان مقرب با حفاظت و نگهبانی وسیع بر گرد حضرت می چرخند.»^۲

امام رضا علیه السلام در دعای قنوت می خواند:

«پروردگارا! امر ظهور بنده شایسته و خلیفه راستینت (مهدی عج) را اصلاح فرما، همانگونه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح کردی، و از فرشتگانت نگهبانانی بر او بگمار و از سوی خویش «روح القدس» او را یاری و پشتیبانی فرما و دیده بانانی از پیش رو و پشت سر همراه وی گردان تا از هر بلایی نگاهش دارند...»^۳

و بسیار روشن است که، امام معصوم علیه السلام چیزی به خلاف رضای خدا درخواست

۱. المهدی، امام دوازدهم (عج)، ص ۱۲۷، به نقل از عقد الدرر

۳. جمال الاسبوع، ص ۲۵۶

۲. الغیبة، النعمانی، ص ۲۴۴

نمی‌کند. خداوند هم مهدی (عج) را اینگونه به فرشتگان معرفی می‌کند. هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، آسمان‌ها، زمین و هر چه در آنها است و فرشتگان، همه ناله کردند و اجازه ندادند مخلوقات را خواستند و عرضه داشتند چون به حریم تویی احترامی کردند و برگزیده تو را کشتند، خداوند به آنها وحی کرد: «ای فرشتگان و... آرام باشید. سپس پرده‌ای از پرده‌ها را کنار زد، محمد صلی الله علیه و آله و دوازده وصی او در آنجا بودند، آنگاه دست قائم (عج) را در میان آنها گرفت و سه مرتبه فرمود: «بهذا انتصر لهذا» به وسیله این (قائم) از خون این (امام حسین) انتقام می‌گیرم.^۱

ابو صباح کنانی روایت کرده است که امام باقر علیه السلام فرمود:

«به خدا سوگند هفتاد صنف از فرشتگان در آسمانها موجودند که اگر تمامی اهل زمین جمع شوند و بخواهند آنها را شمارش کنند، قادر به شمارش آنها نیستند. حال اینکه تمامی این جمعیت فرشتگان متدین و معتقد به ولایت ما هستند.»^۲

«همانا کروبیان نیز قومی هستند از شیعیان ما و از گروهی هستند که در نخستین مرحله آفریده شده‌اند و خداوند محل سکونت آنها را پشت عرش قرار داده است. و چنانکه نور یکی از آنها بر زمین بتابد، اهل زمین را کفایت کند. سپس فرمود: هنگامی که موسی علیه السلام به اصرار قومش از خداوند درخواست مشاهده کرد، نور یکی از آن کروبیان تجلی یافت، که موسی علیه السلام از هوش رفت.»^۳

۲. بصائر الدرجات، ص ۶۷

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۴

۳. همان، ص ۶۹

فصل چهارم

مهدی (عج) در قرآن

گو اینکه یکی از پیام های اصلی تمام کتب آسمانی (همانگونه که پیشتر بیان شد)، موضوع مهدویت بوده است. در همین راستا، برای اینکه هم اهمیت موضوع را برساند و از طرفی دیگر مطلب فراموش نشود، می توان گفت تقریباً در تمامی سوره های مبارک قرآن، بعضی چندین آیه و برخی حداقل یک آیه چه با صراحت و چه با تفسیر و تأویل از مهدی (عج) به نوعی سخن به میان آورده است. در تأیید این مطلب به عنوان مثال می توانید به کتابی تحت عنوان «المهدی فی القرآن» نوشته آیه الله سید صادق شیرازی مراجعه کنید. وی تعداد آیات هر سوره ای از قرآن را به تفکیک جمع آوری نموده است. به عنوان نمونه در سوره های:

بقره: هشت آیه، آیات: ۲، ۳، ۶۰، ۱۲۴، ۱۴۸، ۱۵۵، ۲۶۱، ۲۸۵.

عمران: سه آیه، آیات: ۸۳، ۱۴۱، ۲۰۰

نساء: پنج آیه، آیات: ۴۷، ۵۹، ۶۹، ۸۳، ۱۵۹

یونس: آیه ۲۰ محمد: آیه ۱۸

یوسف: آیه ۱۱۰ حدید: آیه ۱۷

انبیاء: آیه ۱۰۵ صف: آیه ۹

نور: آیه ۶۰ تکوین: آیه ۱۵

احزاب: آیه ۳۳ و بروج: آیه ۱

فصلت: آیه ۵۳

و اینک چهارده آیه را به نام هر یک از گل های سر سبد عالم آفرینش، به طور مفصل می آوریم:

۱- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱.

۲- «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۲.

۳- «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۳.

۴- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۴.

۵- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۵.

۶- «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أ إِلَهٍ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ»^۶.

۷- «وَ أُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ»^۷.

۸- «... يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ

۲. نور: ۵۵

۴. آل عمران: ۲۰۰

۶. نمل: ۶۲

۱. انبیاء: ۱۰۵

۳. قصص: ۲۸

۵. توبه: ۳۳

۷. صف: ۱۳

كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ^۱.

۹- ﴿وَ الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ﴾^۲.

۱۰- ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۳.

۱۱- ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً...﴾^۴.

۱۲- ﴿... بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَاداً لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْداً مَفْعُولاً﴾^۵.

۱۳- ﴿وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً﴾^۶.

۱۴- ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾^۷.

سیدیر صیرفی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

«وای بر شما، صبح امروز در کتاب جفر دیدم... در این کتاب درباره ولادت قائم ما اهل بیت و غیبت او و طولانی شدن آن و طول عمر وی و گرفتاری مؤمنان در آن زمان و پیدایش شک و تردید در دل‌هایشان از طولانی شدن غیبت قائم و برگشتن بیشتر آنان از دین و دست کشیدن از دیانت اسلام که خداوند سبحان فرمود: «ما مقدرات و نتیجه کردار نیک و بد هر انسانی را به گردنش افکنندیم.»^۸ را مطالعه می‌کردم که دلم سوخت و غم و اندوه بر من چیره شد»^۹.

۲. ذاریات: ۲

۴. بقره: ۱۴۸

۶. اسراء: ۸۱

۸. ﴿وَ كُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ...﴾.

۱. انعام: ۱۵۸

۳. حدید: ۱۷

۵. اسراء: ۵

۷. زخرف: ۶۶

۹. عصر ظهور، صص ۳۸۲ و ۳۸۳

فصل پنجم

انسانیت در انتظار مهدی (عج)

از آغاز تاریخ حیات، پیوسته ظلم، ستم، تجاوز و بی عدالتی بوده و انسان به حکم فطرت، عقل و نقل، همواره در انتظار مصلحی بزرگ، نجات دهنده‌ای بی نظیر بسر می‌برد. اما هر کیش و مذهبی از آن پیک آسمانی، تعبیر خاصی داشته‌اند. گر چه نتوانسته‌ایم به تمامی تعبیر در ادیان، مذاهب، فرقه‌ها و... دست یابیم، لیکن کوشش به عمل آمده تا انداز ای این بحث جامع باشد.

به عبارت دیگر «فوتوریسم» یا «فیچرریسم» به معنای «اعتقاد به دوره آخرالزمان» و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی، یک باور جهان وطنی (انترناسیونالیستی) است و به قوم، جغرافیا، نژاد، دین و یا مذهب خاصی، اختصاص ندارد.^۱

بی تردید از اعماق جان ستمگرترین افراد تاریخ، فریاد شیوای «عشق به عدالت خواهی» به گوش می‌رسد. وقتی از افق وسیع، تاریخ زندگی هر ملت و امتی، اندیشه عشق، علاقه، رسوم و آداب مطالبات هر مکتبی مطالعه شود، یک پیام مشترک از آنها شنیده می‌شود و آن «عشق به اصلاح و عدالت» است. آیا این پیام عمومی و هماهنگ و یک صدا نمی‌تواند دلیلی بر فطری بودن این امر (انتظار) باشد؟!

گفتنی است، در فلسفه هم، وجود عشق اصیل و فطری، که حکایت از وجود معشوق در خارج دارد، به اثبات رسیده است. بنابراین، باید توجه داشت، وجود این عشق فطری، مذهب و ملت خاصی نمی‌شناسد، شرق و غربی دیگر برای او مطرح نیست.

بلکه انسانیت را زیر این چتر بزرگ کشیده است. به همین دلیل، وقتی پای سخن هریک از کتب آسمانی قبل از اسلام هم که می‌نشینیم، بحث از آمدن اصلاح‌گری حقیقی و بزرگ، نجات بخشی مهربان، ظلم ستیزی نستوه، هدایت‌گری آسمانی، عدالت خواهی خدایی و حاکمی که بر اساس اندیشه دینی صرف، که بر جهان حکومت کند، مطرح است. و در اینجا به ذکر اسامی مختلف که همگی نشانگر یک معنی هستند می‌پردازیم:

نام مهدی (عج) در کتب مقدس

در قرآن نام آن حضرت، نجم، عصر و فجر آمده است.
 در صحف ابراهیم از آن با نام «جاشیر» یاد شده است.
 در زبور نامش «مفیق» آمده است.
 در تورات، به لغت برکوم، «او قید» است.
 در تورات که نزول او آسمانی است: «ماشع» است.
 در مهمید نیز که نزولش آسمانی است، «أخر» است.
 در انجیل فرنگان نام آن حضرت: «مسیح الزمان» است.
 در زمزم و سروش نامش «ایزد» است.
 در کتاب السباغ مجوس: «بهرام» و به روایت دیگر «بند یزدان» است.
 در کتاب نواصب و سنیان: «مهدی» است.
 در هزار نامه هندوان: «لندقطارا» است.
 در کتاب جاودان از مجوس «خسرو» است.
 در کتاب برزین از مجوس، «آزر» است.
 در کتاب فارسیان از مجوس، «پرویز» که به معنای ظفر و منصور است.
 در کتاب فرنگان از مجوس، «ماجدالامان فیروز» است.
 در کتاب قبروس رومیان، «فردوس الأكبر» است.

در کتاب گبران عجم، «کیقباد» است.^۱
 زرتشتیان او را به نام «سوشیانس» یعنی نجات دهنده جهان و جهودان، «سرور
 میکائیلی» و عیسویان، «مسیح موعود» می شناسند.^۲
 خلاصه اینکه امروزه در این موضوع توسط محققان عاشق امام زمان، سیصد و
 سیزده اسم، لقب و کنیه جمع آوری شده و با عنوان «نام نامه مهدی (عج)»^۳ نشر یافته
 است. گفتنی است، این جمع آوری شامل آنچه در قرآن، زیارات، ادعیه و احادیث
 آمده نیز می شود.

همانگونه که گفتیم، تنها اختلاف در مصداق است. و گونه تمامی فرقه‌ها و ملل
 مختلف، هر یک به نوعی در انتظار ظهور نجات دهنده‌ای، چشم به راهند:
 «ایرانیان باستان، نژاد اسلاو، نژاد ژرمن، اهالی صربستان، یونانیان، ساکنان جزایر
 انگلستان، یهودیان، مسیحیان، ملل و اقوام مختلف هند، اسن‌ها، سلت‌ها، اقوام
 اسکاندیناوی، یونانیان، اقوام اروپای مرکزی، چینی‌ها، اقوام آمریکای مرکزی،
 گروهی از مصریان، که حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد زندگی می کرده‌اند و نیز
 گروهی دیگر از مصریان باستان و قبایل «ای پوور» معتقد بودند؛ روزی خواهد رسید
 که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند، و آن به سبب آمدن پادشاهی دادگر در پایان جهان
 است.»^۴

نام حضرات ائمه علیهم‌السلام در تورات

ابو عامر هشام دستوانی از کعب الأحبار نقل کرده که او می گفت:
 «همانا، ائمه از این امت، بعد از پیغمبر خود، به عدد نقبای بنی اسرائیل است. در
 همین اثنا علی بن ابی طالب علیه‌السلام پیدا شد، کعب گفت: این مقفی اول ایشان و یازده نفر

۱. تذکرة الائمة، صص ۱۲۴ و ۱۲۵، و جهان در انتظار کیست؟ ص ۱۷

۲. نجم الثاقب، ص ۵۵-۱۳۲

۳. نام نامه مهدی (عج)، صص ۴۶-۴

۴. خورشید پنهان، ص ۱۱۹-۱۲۱

از فرزندان او می‌باشند. به این اسامی که در تورات آمده است: «نقرثیب» و در نسخه بدل تقوئیب، «قذوا»، «دبیرا»، «مفسورا»، «مسموعاه»، «وموه»، «میثو»، «هذار»، «یشیموا» و در نسخه بدل «شیموا»، «بطور»، «نوقس»، «فیدموا»^۱

ابو عامر، راوی این خبر می‌گوید: پس از شنیدن این خبر، روزی در حیره (که نزدیک کربلا است) شخصی یهودی را ملاقات کردم، او را عتواین اوسوا می‌گفتند و او عالم یهود بود، از در در باره این نام‌ها که شنیده بودم پرسیدم. او گفت: اینها اسم نیستند، بلکه اوصاف جمیله‌ای هستند برای اقوامی به زبان عبرانی فصیح که آنها را در تورات می‌یابیم و اگر از غیر من سؤال کرده بودی یا از معرفت آنها کور بودی یا خود را به کوری می‌زد... گفتم: پس آن اوصاف را برایم بیاکن!

گفت: آری! و تو آن راز را پوشیده نگه‌دار، مگر از اهلس و موضعش - ان شاء الله تعالی - و اما:

- «نقرثیب»، پس او اولِ اوصیاست و وصی خاتم انبیا.
- «قذوا»، ثانیِ اوصیاست و اولِ عترت اصفیا.
- «دبیرا»، او دومِ عترت و سید الشهداء است.
- «مفسورا»، او سید کسانی است از سجده‌کنان خداوند متعال.
- «مسموعاه» پس او وارث علم اولین و آخرین است.
- «وموه» اشاره به امام صادق علیه السلام است.
- «میثو» (مشیوا) او بهترین محبوسان در زندان ظالمان است.
- «هذار» او مقهور دور شده از وطن است.
- «یشیموا» (شیمو) او کوتاه عمری است که آثارش طولانی است.
- «بطور» چهارمین هم نام او است؛ یعنی علی.
- «نوقس» او همنام عم خود است.

۱. این نام‌ها در کتاب بحار الأنوار (ج ۳۶، ص ۲۲۲) چنین آمده است: تقوئیت، قیدوا، دبیرا، مفسورا، مسموعا، دوموه، مشبو، هذار، یشمو، بطور، نوقس و قیدموا.

«فیدموا» او مفقود از پدر و مادر خویش است که غایب است به امر خداوند و به پا می‌دارد حکم او را.

و کلمه «فیدموا» در بیشتر نسخه‌ها باقی است.^۱

برهمنان

برهمنان نیز از دیر زمان، بر این عقیده‌اند که در آخر الزمان «ویشنو» ظهور می‌کند و بر اسب سفیدی سوار می‌شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته، مخالفان را خواهد کشت و تمام دنیا برهنه گردد و به این سعادت برسد.

ساکنان جزایر انگلستان

از چندین قرن قبل، آرزومند و منتظرند «آرتو» که در جزیره آوالون سکونت دارد، روزی ظاهر شود و نژاد ساکسون را در دنیا غالب گرداند و سیادت جهان نصیب آنها گردد.

اهالی صربستان

انتظار ظهور «مارکو کرایویچ» را دارند.

یونانیان

معتقد به ظهور «کالوپیرک» هستند.

اقوام اروپای مرکزی

این اقوام هم، در انتظار «بوخص» می‌باشند.

هرگاه این لغت‌های مختلف ترجمه شود، همه به معنای «نجات دهنده» است.

ایرانیان باستان

ایشان نیز در قدیم، معتقد بودند که «گرزاسپه» پهلوان تاریخی آنان زنده است و در کابل خوابیده و صد هزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند.

گروهی دیگر از ایرانیان به «کیخسرو» معتقدند که بیاید و اهریمنان را از گیتی براند.^۱

افلاطون و مدینه فاضله‌اش نیز از شهرت جهانی برخوردار است. مدینه فاضله‌ای که افلاطون می‌سازد و آن را در آسمان‌ها جای می‌دهد، تجسم درونی و نظری اوست، برای زندگی در یک محیط حق و عدل. و باید زیر پرچم مصلحتی بزرگ و جهانی تحقق یابد.

گفتیم، پیروان این پیامبر در انتظار «سوشیانس» بسر می‌برند. او چه کسی بوده است؟ وی قدیمی‌ترین پیامبر آریایی است و سخنی که بیشتر محققان با آن موافقند این است که: دین این پیامبر در هزار سال قبل از میلاد ظهور کرده است. و نام او در اوستا «زره توشره» آمده که به معنای دارنده شتر زرد یا شتر نیرومند است.^۲

دین بودا

«این دین در بیست و پنج قرن پیش از این، در دامان هیمالیا و در کنار رود «گنگ» طالع شد. و در سرزمین هند نور افشانی کرد، مدت افزون از هفت قرن تمام در مهد تولد خود رو به اوج و اعتلا بود.»^۳

و بوداییان منتظر بازگشت بودا هستند.

۲. تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، ص ۹۹

۱. موج انتظار، صص ۱۴۲ و ۱۴۳

۳. تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، ص ۸۵

در تأکید و تأیید مطالب گذشته، نمونه‌ای از کتاب «انتظار قنوس» را می‌آوریم: «یهودیان مانند مسیحیان - که به بازگشت عیسی علیه السلام معتقدند - به ظهور یک منجی می‌اندیشند و همان‌گونه که زرتشتیان در انتظار رجعت بهرام شاه‌اند. نصرانیان حبشی نیز چشم به راه ظهور پادشاه خود، «تئودور موعود» هستند، و هندوها هم به خروج «ویشنو» دل بسته‌اند. مجوسی‌ها به زنده بودن «هوشیدرا» اعتقاد راسخ دارند. بودایی‌ها منتظر باز آمدن «بودا» و اسپانیایی‌ها مترقب بزرگ خود، «رودریک» هستند. اقوام مغول هم رهبر خود «چنگیز» را منجی بزرگ می‌شمارند، همچنین آیده و باور «ظهور منجی» در مصر باستان رواج داشته است، همان‌گونه که در متون کهن چینی نیز دیده شده است.»^۱

هندوها

«این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در دوران پایانی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره‌ای دنباله دار، در دست دارد ظاهر می‌شود، و شیران را به تمامی هلاک می‌سازد، خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر دهم (ویشنو) در مراحل پایانی عالم ظهور خواهد کرد.»^۲

۱. در انتظار قنوس، ص ۴۵

۲. کیست مهدی (عج)؟، ص ۲۳، به نقل از کتاب اوپانیشاد، ص ۷۳۷

فصل ششم

آثاری در اثبات مهدویت به زبان‌های مختلف

بی تردید هر ملتی زبان خاص خودش را دارد و در گستره تاریخ نیز در هر موضوعی اثری (کتابی) باقی مانده است که به زبان پیروان همان قوم و ملت می‌باشد. و اکنون به آمار تقریبی آثاری که به زبان‌های مختلف دنیا موجود است، می‌پردازیم:

اول: زبان‌های اروپایی	۲- زبان اردو ۱۰۶ عنوان.
۱- زبان انگلیسی ۳۴ عنوان.	۳- زبان تایلندی ۴ عنوان.
۲- زبان فرانسوی ۱ عنوان.	۴- زبان کجرائی ۸ عنوان.
۳- زبان روسی ۱ عنوان.	۵- زبان اندونزیایی ۲ عنوان.
دوم: به زبانهای آسیایی	۶- زبان کردی ۲ عنوان.
(به جز عربی و فارسی)	سوم: زبان آفریقایی:
۱- زبان ترکی ۲۰ عنوان.	تنها یک عنوان به زبان «سواحلی» منتشر شده است. ^۱

با توجه به اینکه بسیاری از این آثار ریشه در تاریخ قبل از حضرت خاتم صلی الله علیه و آله دارد؛ یعنی مربوط به بخش از آدم تا خاتم می‌شود، در این قسمت از بحث جای دادیم. و در پژوهش این مرحله از بحث به همین اندازه بسنده می‌کنیم و بخش از خاتم انبیاء علیهم السلام تا خاتم اوصیا (عج) را آغاز می‌کنیم.

فصل هفتم:

مهدی (عج) از نگاه پیشوایان معصوم علیهم السلام

حضرت محمد صلی الله علیه و آله

وقتی به تعبیر بلندی از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله همچون:

«مهدی خلیفه خداست».

«مهدی از اهل بیت من است».

«همانا جانشین خداوند بزرگ مهدی است».

«مهدی مردی از اولاد من است».

«مهدی از دودمان من است».

«مهدی مردی از اهل بیت من است».

«نام او همانند نام من است».

«مردی از خاندان من است».

«مردی از خاندان من».

«در آخر الزمان خلیفه‌ای از ما خواهد بود».

«تا مردی از خاندان من به حکومت رسد»

«تا اینکه مردی از عترت من قیام کند».

و... برخوردار می‌کنیم، به اوج عظمت و حقیقت مهدی (عج) پی می‌بریم و به

جایگاه والایش در آینه نورانی ذهن مبارک رسول خدا ﷺ آشنا می شویم.^۱
و از آنجا که سخنان روح پرور معصومین علیهم السلام زنگار از دل می برد، به ویژه در این
موضوع بسیار مهم مهدویت، لذا از احادیث هر یک از پیام آوران حق و حقیقت
بهره می بریم:

سه حدیث از رسول خدا ﷺ

۱- رسول خدا ﷺ فرمود:

«مهدی از فرزندان من است. خداوند به وسیله او مشرق و مغرب زمین را فتح
کند. مهدی همان است که از چشم دوستان خود ناپدید می شود؛ آنگونه که جز افرادی
که خداوند قلب هایشان را برای ایمان پاک و خالص گردانیده، کس دیگری در اعتقاد
به امامت او ثابت قدم نخواهد بود.»^۲

۲- حدیثی روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«امام های بعد از من، به عدد نقیبان بنی اسرائیل هستند، نه نفر آنها از نسل حسین
خواهند بود و مهدی این امت، از ما است. آگاه باشید آنان با حق و حق با آنها است.
پس توجه داشته باشید که بعد از من با آنها چگونه رفتار می کنید.»^۳

۳- امیر مؤمنان، علی علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

«مهدی موعود از اهل بیت من است، خداوند اسباب قیام او را در یک شب مهیا
سازد.»^۴

ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود:

«همانا خلفا، اوصیا و حجّت های الهی بر خلق بعد از من، دوازده نفرند، نخستین

۱. اقتباس از، همه در انتظار اویند، صص ۷۴-۷۲

۲. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۷، الزام الناصب، ص ۱۲۷

۳. اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۲۶

۴. الصواعق المحرقة، ص ۱۶۱

آنها برادرم و آخر آنها فرزندم می باشد. کسی پرسید: ای رسول خدا، برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب، سؤال شد فرزندات کیست؟ فرمود: «مهدی» که زمین را پر کند از عدل و داد، همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است.^۱

چرا جانشینان رسول خدا ﷺ دوازده نفرند؟

ده، دلیل در پاسخ این پرسش گفته اند:

- ۱- عدد نقبای بنی اسرائیل، جانشینان موسی ﷺ، دوازده نفر بودند، پس باید اوصیای رسول خدا ﷺ نیز دوازده نفر باشند.
- ۲- حواریون عیسی ﷺ دوازده نفر بوده اند، پس خلفای حضرت رسول ﷺ نیز باید دوازده نفر باشند.
- ۳- چون عدد اوصیای اسباط حضرت اسرائیل دوازده نفر بوده اند.
- ۴- تعداد بروج دوازده است.
- ۵- عدد ماه ها نیز دوازده تا است.
- ۶- اعظم انبیا دوازده نفر بودند.
- ۷- عدد کتاب های آسمانی مشهور دوازده تا است.
- ۸- سلاطین از انبیا؛ مانند آدم، شیث، ابراهیم، داود و سلیمان دوازده نفر بودند.
- ۹- اعظم ملائک مقرب دوازده تا است.
- ۱۰- عدد سال نزد منجمین و اهل خطا و حکما دوازده است.^۲

مهدی (عج) از نگاه امیر المؤمنین ﷺ

حضرت فرمود: «... مهدی موعود، از مابه وجود خواهد آمد و در آخر الزمان ظهور خواهد کرد، در میان هیچ ملتی، مهدی منتظر جز او وجود ندارد.»

۲. تذکرة الأئمة، صص ۱۴۷ و ۱۴۸

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، صص ۶۹ و ۷۰

توجه کنید، امیر المؤمنین، علی علیه السلام در این بخش از بیانات روشنگر خود، به سه نکته اساسی تأکید می‌کند که آنها عبارتند از:

۱- آن مهدی که وعده داده شده و بر سر تمامی زبان‌هاست متعلق به هیچ نژاد و نسلی نیست، مگر از تبار ما و از گوشت و خون ما است.

۲- تاریخ ظهور او، در این نزدیکی‌ها نیست، بلکه مربوط به دوره آخرالزمان و در مراحل پایانی زندگی این نسل از انسان‌ها است.

۳- بدیهی است همانگونه که پیشتر گفته شد، تمامی ملل و مذاهب، به نوعی منتظر نجات دهنده‌ای هستند. از فریب و ادعاهای مهدی‌های دورغین برحذر باشید. تنها کسی که تاریخ در انتظارش به سر می‌برد، همانا از مکتب اسلام ناب محمدی صلوات الله علیه و از تبار من و برخاسته از مذهب تشیع است.

امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: خدمت رسول خدا صلوات الله علیه عرض کردم: «آیا مهدی موعود از ما خواهد بود یا از غیر ما؟»

حضرت پاسخ داد: «از ما خواهد بود، خداوند دین را به دست مهدی ختم می‌کند، همانگونه که شروعش به دست ما صورت گرفت.»

مردم به واسطه ما از فتنه‌ها نجات یابند، چنانکه به واسطه ما از شرک‌رهایی یافتند. خداوند به برکت وجود ما کینه‌های ایام فتنه را، از دل آنان زایل می‌کند، همانطور که بعد از دشمنی‌های ایام شرک و بت پرستی قلب‌هایشان را با هم مهربان کرد و در دین برادرشان گردانید.^۱

و نیز امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلوات الله علیه روایت کرده است که فرمود: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا، بر می‌انگیزد تا دنیا را پر از عدل و داد کند؛ چنانکه از ستم پر شده است.»^۲

حضرت فاطمه علیها السلام و مهدی (عج)

امام حسین علیه السلام فرمودند: که مادرم فاطمه به من فرمود: «وقتی تو را وضع حمل نمودم، رسول خدا بر من وارد شد و فرمود: ای فاطمه، این کودک را بگیر و بدان که او پدرت است و از نسلش امامان صالحی به وجود خواهند آمد که نهمین آنها «مهدی» است.»^۱

و نیز جابر بن عبدالله انصاری در روایتی که به طرق مختلف نقل شده، از صحیفه‌ای خبر داده است که آن را در دست حضرت فاطمه علیها السلام مشاهده نموده است، که درخشندگی عجیبی داشته است و در آن نام‌های دوازده امام علیهم السلام همراه نام مادرانشان یاد آور شده و آخرین نام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بوده است.^۲

مهدی (عج) از دیدگاه فرزندان فاطمه علیها السلام

چنانکه بخواهیم آنچه را که در این خصوص از پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده بیاوریم، مثنوی هفتاد من کاغذ شود، ولی از آنجا که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید.

از این رو، از باب تبرک و تیمن، پای سخن عزیزان حضرت فاطمه علیها السلام می‌نشینیم:

امام حسن مجتبی علیه السلام

اصبغ بن نباته روایت کرده است که امام حسن علیه السلام فرمود:

«امام‌های بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله دوازده نفرند، نه نفر ایشان از نسل برادرم

حسین به وجود می‌آیند و «مهدی» این امت از ایشان است.»^۳

۱. کفایة الاثر، ص ۱۹۶، اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۵۲

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۵، و الغیبة، شیخ طوسی، ص ۹۲

۳. بحار لانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۳

امام حسین علیه السلام

حضرت فرمود: «دوازده امام از ما هستند، علی بن ابی طالب علیه السلام اول آنان و آخر ایشان نهمین فرزند من و قائم به حق می باشد.

خداوند به برکت وجود وی، زمین مرده را زنده و آباد می کند و دین حق را بر تمامی ادیان پیروز می گرداند، اگر چه مشرکان ناراضی باشند، مهدی مدتی از نظرها غایب می گردد، در زمان غیبت گروهی از دین خارج می شوند، اما گروهی دیگر ثابت قدم خواهند ماند. از این رو سختی ها خواهند دید، از باب سرزنش به آنها گفته می شود، اگر در گفتارتان صادقید، پس زمان موعود کی خواهد بود؟

ولی بدانید که هرکس در روزگار غیبت، آزار و تکذیب دشمنان را تحمل کند، مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمشیر بجنگند.^۱

و نیز مردی عرب از امام حسین علیه السلام پرسید: ای پسر رسول خدا، تعداد امامان بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چند نفرند؟

حضرت در پاسخ فرمود: «دوازده نفرند، به عدد نقیبان بنی اسرائیل».

عرض کرد: نام آنها را برایم بیان کن.

حضرت کمی درنگ کرد و آنگاه سر خود را بلند کرد و فرمود:

بله، ای برادر عرب! همانا امام و خلیفه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله پدرم امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب و بعد از او حسن (برادرم) و من و نه نفر از فرزندان من و از ایشان، علی پسر من و بعد محمد، پسرش و بعد جعفر، پسر محمد و بعد موسی پسر جعفر و بعد علی پسر موسی و بعد محمد پسر علی و بعد علی پسر محمد و بعد حسن پسر محمد و بعد از حسن فرزند جانشین او «مهدی» است که او نهمین از فرزندان من است و او برای زنده کردن دین در آخرالزمان قیام خواهد کرد.^۲

۱. بحال الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۵، و اعلام الوری، ص ۳۸۴

۲. کفایة الاثر، ص ۳۱، و بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۵

امام سجاد علیه السلام

«بهترین مردم هر زمان، منتظران ظهور مهدی (عج) هستند.»^۱

امام باقر علیه السلام

«کسی که در حال انتظار امام زمان (عج) مرده باشد، زیان نکرده است، اگر چه در میان خیمه یا لشکر حضرت نمرده باشد.»^۲

امام صادق علیه السلام

«هر کس که به تمام امامان علیهم السلام اقرار کند، ولی وجود «مهدی» را انکار نماید، مانند کسی است که به همه پیامبران معتقد باشد ولی نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را قبول نکند.»^۳

امام کاظم علیه السلام

حضرت در پاسخ یونس بن عبدالرحمان که پرسید، آیا شما قائم به حق هستید؟ فرمودند: «من قائم به حق هستم، ولی آن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک سازد و از عدل و داد پر نماید، همانگونه که پر از ظلم و ستم شده بود، پنجمین فرزند من است.»

چون برجان خویش ترسان است، مدتی طولانی غایب می‌گردد، در عصر غیبت گروهی از دین خارج شوند و عده‌ای هم پایدار مانند، خوشا شیعیان ما که در زمان غیبت به ریسمان ولایت ما چنگ زنند و بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما استوار باشند. آنان از ما و ما از ایشانیم. آنان ما را به امامت پذیرفته و ما نیز آنان را به عنوان شیعه قبول کردیم.

پس خوشا به حال آنان، به خدا سوگند، در روز قیامت با ما و در رتبه و درجه ما خواهند بود.»^۴

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۷۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۱۳۱

۳. الاحتجاج طبرسی، ج ۲ ص ۳۱۷، و امالی صدوق، ص ۱۵۶-۱۵۷

۴. کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۳

امام رضا علیه السلام

سلیمان جعفری از حضرت رضا علیه السلام پرسید: آیا زمین از حجت خالی می شود؟ فرمود: «اگر یک چشم زدن زمین از حجت خالی باشد، همانا با اهلش فرو خواهد رفت.»^۱

امام جواد علیه السلام

حضرت به عبدالعظیم حسنی فرمود:

«قائم ما همان «مهدی موعود» است که در زمان غیبت باید در انتظارش بود و در زمان ظهور باید اطاعتش نمود.

او سومین نسل بعد از من است. به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری فرستاد و ما را نیز به امامت مخصوص داشت سوگند که اگر از عمر دنیا یک روز بیش باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آنقدر طولانی می کند تا «مهدی» در آن روز ظهور و زمین را پر از عدل و داد کند، همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است.

خداوند متعال امرش را در مدت زمان یک شب اصلاح فرماید؛ چنانکه امر کلیم خود، موسی را چنین نمود، موسی رفت تا برای خانواده اش آتش بیاورد، اما با منصب پیامبری و رسالت بازگشت و نیز فرمود: انتظار فرج بهترین عمل شیعیان است.»^۲

امام هادی علیه السلام

حضرت امام هادی علیه السلام فرمود:

«بعد از من فرزندانم «حسن» امام است و بعد از «حسن» فرزندانم، همان قائمی است که زمین را پر از عدل و داد نماید همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است.»^۳

۱. بصائر الدرجات، ص ۴۸۹

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶؛ و مدینه المعجز، ص ۵۳۶

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۳۹۴، اعلام نوری، ص ۴۱۰

امام حسن عسکری علیه السلام

حضرت به موسی بن جعفر بغدادی فرمودند: «گویا شما را می بینم که در جانشینی من اختلاف نموده اید، ولی آگاه باشید هر کس به امامان بعد از پیامبر ایمان داشته باشد اما امامت فرزند مرا انکار نماید مانند کسی است که نبوت تمام پیامبران را قبول کند ولی پیامبری محمد صلی الله علیه و آله را انکار نماید. در صورتی که منکر آن حضرت مانند کسی است که تمام انبیا را انکار کند؛ زیرا اطاعت آخرین امام ما مثل اطاعت اولین امام ما است. پس هر کس آخرین فرد ما را انکار کند، مانند کسی است که اولین امام را انکار کرده است.

آگاه باشید که غیبت فرزندم به قدری طولانی می شود که مردم به شیک می افتند، مگر افرادی که خداوند ایمانشان را ثابت نگه دارد.»^۱

خاتم اوصیاء (عج)

امام زمان (عج) فرمود:

«من پایان دهنده سلسله اوصیایم و به وسیله من، خداوند متعال گرفتاری ها را، از خاندانم و شیعیانم برطرف می کند.»^۲

در این قسمت از بحث، جهت تکمیل این بخش، به همین اندازه از بیانات امام زمان (عج) بسنده می کنیم و در بخش آینده پس از معرفی حضرت و طرح موضوعات مناسب، ان شاء الله در جای خود، از بیانات روح بخش قائم آل محمد (عج) بهره مند می شویم.

مدح شاعران

آری یکی از امتیازات ویژه امام زمان (عج) علاوه بر امتیازات دیگر این است که

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۷-۳۱۸

۲. بهمان، ج ۵۲، ص ۳۰

قبل از تولدش، مورد مدح و ستایش شاعران بزرگی مانند:

۱- «کمیت» (متوفای سال ۱۲۶ هجری) در عصر امام باقر علیه السلام

۲- «اسماعیل حمیری» (متوفای سال ۱۷۳ هجری) در عصر امام صادق علیه السلام

۳- «دعبل خزاعی» (متوفای ۲۴۷ هجری) در عصر امام رضا علیه السلام قرار گرفته

است^۱ و برای تولدش لحظه شماری می‌کردند، و آرزوی توفیق بودن در رکابش را می‌کردند.

فصل هشتم:

تولد نور

معرفی اجمالی امام زمان (عج)

حضرت قائم (عج) در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری از مادری به نام «نرجس» خاتون دیده به جهان گشود.

در سن پنج سالگی به اراده الهی از دیدگان مردم غایب شد که این امر در سال ۲۶۰ هجری قمری رخ داد. و آن بزرگوار رادو غیبت است: یکی غیبت صغری، که این غیبت تا سال ۳۲۹ هجری قمری؛ یعنی مدت ۶۹ سال طول کشید که در آن تاریخ عمر حضرتش ۷۴ سال بود و در آن مدت غیبت صغری نمایندگان ویژه‌ای داشت که از آن بزرگواران به نواب اربعه تعبیر می‌کنند.

۱- عثمان بن سعید عمّری از سال ۲۶۰ هجری تا ۲۸۰ هجری.

۲- فرزندش محمد بن عثمان بن سعید عمّری از سال ۲۸۰ هجری تا سال ۳۰۵ هجری.

۳- ابو القاسم حسین بن روح نوبختی از سال ۳۰۵ هجری تا سال ۳۲۶ هجری.

۴- ابو الحسن علی بن محمد سمّری از سال ۳۲۶ هجری تا ۳۲۹ هجری.^۱

و پس از ایام غیبت صغری به دستور حق متعال، به پشت پرده غیبت کبری رفته است و زمان ظهور حضرت را هیچ کس نمی‌تواند به طور دقیق تعیین کند، بر اساس

۱. زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام، ص ۲۶۵

روایات باید تکذیب شود و هیچ کس تاریخ دقیق آن را نمی‌داند مگر ذات اقدس الهی.

ولی ما می‌توانیم طبق علامت‌ها و نشانه‌های پیش‌گویی شده به وسیله قرآن، احادیث و روایات معتبر از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام تا حدودی به آن نزدیک شویم و انتظاری واقع بینانه از آن یوسف فاطمه علیها‌السلام داشته باشیم.

سیمای آن حضرت علیها‌السلام

حضرتش جوان، چهارشانه کشیده، قامت بلند، صورتی خوش‌رو، گویی ستاره‌ای درخشان بوده، آنچنان که نور چهره بر سیاهی موی سر و محاسن غلبه دارد، دو گونه‌اش صاف و روان و بدون برآمدگی، بر گونه راستش خال سیاهی است، پیشانی صاف و روشن، ابرو گشاده و باریک و کشیده و نزدیک به هم اما نپیوسته، چشم‌ها درشت و سیاه و پلک‌ها درخشانده، بینی کشیده و مختصر برآمدگی در وسط دارد، چهره سفید و درخشانده و سرخ فام، محاسنی پرپشت، بدن گندمگون مایل به سفیدی، سر مبارکش گرد و نشانه ریختگی مو در بعضی از مواضع سر هویدا است، میان دو کتف پهن و در قسمت چپ کتف خال داراست، بر بازوی راستش دو آیه شریفه:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۱.

«وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۲.

نقش بسته است. و نیروی آن حضرت چنان است که اگر اراده کند، تنومندترین درخت را از بن بر اندازد و چنانچه میان کوه‌ها صیحه زند، سنگها را از جا برکند و از هم بپاشد.^۳

۲. انعام: ۱۱۵

۱. اسراء: ۸۱

۳. زندگانی چهارده معصوم، علیهم‌السلام ص ۲۷۱

امام زمان (عج) قطب عالم امکان

برای هر چیزی در این جهان محور و مرکزی است، از اتم تا کهکشان وجود محور و مرکز برای آنها امری ضروری و قطعی است. پروردگار عالم، برای دانه اتم محور و مرکزی قرار داده است، که بقا و هستی آن اتم وابسته به آن محور و مرکز است و بقا و هستی آن محور و مرکز خود اتم وابسته به ذات ربوبی است. همچنین است همه کهکشان‌ها. وقتی چنین است، قاعده استقراء می‌گوید: «اگر جز این جهان محور و مرکز داشته باشد، باید همه جهان روی هم، محور و مرکز داشته باشد تا جهان وابسته به او و او وابسته به ذات ربوبی باشد.» حضرت حجت (عج) نیز محور و مرکز همه جهان وابسته به او و او و همه جهان وابسته به ذات خدا است.^۱

یک تجربه علمی

برخی از محققان نیز در مقام اثبات وجود مبارک امام زمان (عج) علاوه بر ادله فطری، عقلی و نقلی، به یک تجربه علمی نیز استناد جسته‌اند و می‌خواهند بگویند از هر طریقی که برویم در انتهای آن راه به وجود ذی جود «مهدی (عج)» خواهیم رسید. سید محمد باقر صدر در کتاب جستجو و گفتگو، تحت عنوان «چراغ دروغ بی فروغ است» می‌گوید:

«راستی چگونه می‌توان پذیرفت که یک دروغ حدود هفتاد سال غیبت صغری پایدار بماند و چهار تن (نواب اربعه) آنچنان همداستانی کنند که گویی حقیقتی بزرگ است که با چشم خویش می‌بینند و با آن زندگی می‌کنند، و در این مدت هم نقطه ضعفی از آنها آشکار نگردد که بر انگیزنده تردید باشد؟

از گذشته‌های دور «چراغ دروغ بی فروغ» بوده است و منطق زندگی ثابت می‌کند که عملاً و با حساب احتمالات، محال است که دروغی بتواند با این صورت خاص،

۱. زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام، از آیه الله مظاهری، ص ۱۸۰ - ۱۸۱

در تمام مدت روزگاری که بر مهدی (عج) گذشته، دوام بیاورد و همه وابستگی ها و نقشه ها را در بر بگیرد و اعتماد پیر وانش را جلب کند.

پس غیبت صغری، یک تجربه علمی شمرده می شود تا چیزی را که واقعیت عینی و خارجی دارد، اثبات کند و پذیرش واقعیت رهبری امام مهدی (عج) را با ویژگی های ولادت و زندگی و غیبت کبرای او، ممکن سازد.^۱

پس هم به شهادت تاریخ و نیز بر اساس احادیث و روایات معتبر از شب تولد (نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری) تا سال ۲۶۰ هجری قمری در طی پنج سال افراد متعددی حتی گروهایی تا چهل نفر، حضرت را مشاهده کردند و با حضرتش سؤال و جواب هایی نیز داشته اند.^۲

و در دوره غیبت صغری به مدت حدود هفتاد سال آن حجت خدا، به واسطه چهار نماینده ویژه اش، با جهان تشیع در ارتباط بوده است. و هرگاه سؤالی یا مشکلی پیش می آمد، توسط نواب اربعه به محضر مبارکش ابلاغ می شد و پاسخ می گرفتند.

یک منجم یهودی

نقل کرده اند که در قم، منجمی یهودی سکونت داشته و در مهارت و زبردستی در فن خود معروف بوده است. احمد بن اسحاق قمی (راوی از امام جواد، امام هادی و از اصحاب خاص امام حسن عسکری علیه السلام بوده است.) پس از آنکه نامه مبارک امام حسن عسکری علیه السلام را در خصوص خبر تولد امام زمان دریافت می کند، آن منجم را نزد خود طلبیده، می گوید: مولودی در چنان ساعت و چنین روزی به دنیا آمده است، بین طالع او چگونه است؟

۱. کتاب جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی علیه السلام، ص ۵۸-۵۹.

۲. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۹۲، اثبات الوصیه، ص ۱۹۷، منتخب الاثر، ص ۳۴۳، بحار الانوار، ج ۵۲،

ص ۲۳، ینابیع الموده، باب ۸۲، اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۵۶.

منجم طالع او را از روی حساب نجوم گرفت و در آن اندیشید، سپس به احمد بن اسحاق گفت: «در حساب نجوم چیزی نیست که این مولود از تو باشد، و مثل چنین مولودی جز پیامبر یا وصی پیامبر نخواهد بود و دقت در حساب نجوم بیانگر آن است که این مولود، بر سراسر دنیا؛ از شرق و غرب و خشکی و دریا و کوه و بدشت حاکم می‌گردد، تا آنجا که در سراسر زمین یک نفر باقی نمی‌ماند مگر اینکه پیرو دین او می‌گردد و تحت حکومت او در می‌آید.»^۱

فصل نهم

تولد مهدی (عج) از دیدگاه اهل سنت

قضیه تولد امام زمان (عج) در کتاب‌های بزرگان اهل سنت نیز تدوین و نگارش یافته است.

شبلنجی در کتابش نوشته است: محمد فرزند حسن عسکری است. مادرش امّ ولدی بوده به نام «نرجس» یا صیقل یا سوسن، کنیه‌اش ابوالقاسم است. امامیه وی را حجّت، مهدی، خلف صالح، قائم، منتظر و صاحب‌الزمان می‌نامند.^۱

محمدبن یوسف، وی بعد از ذکر وفات امام حسن عسکری علیه السلام می‌نویسد: فرزندی جز محمد نداشت و گفته شده که: «او همان امام منتظر است.»^۲ یوسف بن قز اوغلی، بعد از ذکر احوال امام حسن عسکری، آورده است: «نام فرزندش محمد و کنیه‌اش ابو عبدالله و ابوالقاسم است، اوست حجّت و صاحب‌الزمان و قائم و منتظر، و امامت به وی ختم شده است.»^۳ ابن حجر می‌نویسد: امام حسن عسکری، فرزندی جز ابوالقاسم که محمد و حجّت نامیده می‌شود، باقی نگذاشت. آن کودک در هنگام وفات پدر پنج ساله بود.^۴ ابن خلکان نوشته است: ابوالقاسم محمدبن الحسن العسکری، امام دوازدهم امامیه است. شیعیان عقیده دارند که وی همان منتظر و قائم و مهدی است.^۵

۱. نور الأبصار، ص ۱۶۸

۳. تذکرة خواص الأمة، ص ۲۰۴

۵. وفيات الأعیان، ج ۲، ص ۲۴

۲. کفایة الطالب، ص ۳۱۲

۴. الصواعق المحرقة، ص ۲۰۶

محمد بن طلحه شافعی، نوشته است: «ابو القاسم محمد بن الحسن در سال ۲۵۸، در سامره متولد شد. نام پدرش حسن خالص است، و حجت و خلف صالح و منتظر از القاب اوست.»^۱

ابن صباغ مالکی، می نویسد: «فصل دوازدهم در احوال ابو القاسم، محمد، حجت، خلف صالح فرزند ابی محمد حسن خالص است و آن جناب امام دوازدهم شیعیان است.»^۲

محمد امین بغدادی نوشته است: «محمد که مهدی نیز نامیده می شود، در هنگام وفات پدر پنج ساله بود.»^۳

شعرانی می نویسد: «مهدی فرزند امام حسن عسکری است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ متولد شد، زنده و باقی خواهد ماند تا با عیسی ظهور کند و اکنون که سنه ۹۵۸ است، هفتصد و سه سال از عمر شریفش می گذرد.»^۴

خواجه پارسا، نوشته است: «محمد فرزند حسن عسکری، در نیمه شعبان سال ۲۵۵ به دنیا آمد. نام مادرش «ترجس» بوده است.

در سن پنج سالگی پدرش وفات نمود، از آن زمان تا حال غایب است و اوست امام منتظر شیعیان و وجودش نزد خواص اصحاب و ثقات اهلش به اثبات رسیده است. خدا عمرش را مانند خضر و الیاس طولانی می گرداند.»^۵

محمد بن علی جموی نوشته است: «ابو القاسم محمد منتظر در سال ۲۵۹ در شهر سامرا به دنیا آمد.»^۶

ذهبی در کتاب «العبر» خود آورده است: «محمد فرزند حسن عسکری، فرزند علی هادی، فرزند جواد، فرزند علی رضا، فرزند موسای کاظم، فرزند جعفر صادق، علوی حسینی می باشد. کنیه اش ابو القاسم است و شیعیان او را به نام های: خلف،

۱. مطالب السؤل، ص ۸۹

۳. سبائك الذهب، ص ۷۸

۵. ینابیع الموده، ج ۲، ص ۱۲۶

۲. فصول المهمه، ص ۲۷۳

۴. الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۱۴۳

۶. تاریخ منصوری، ص ۱۱۴

حجت، مهدی، منتظر، و صاحب الزمان نامیده‌اند.^۱

شیخ محمد صبان در کتاب «اسعاف الراغبین» اینگونه می‌نویسد:

«اخبار متواتری که از پیغمبر خدا ﷺ نقل شده و گواهی می‌دهد که مهدی سرانجام قیام می‌کند و او از خاندان پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.»^۲

شیخ علی ناصف در کتاب «التاج» نوشته است:

«میان علمای سلف و خلف شهرت دارد که در آخر الزمان ناگزیر است از ظهور مردی از اهل بیت به نام مهدی که بر ممالک اسلامی مستولی می‌شود و مسلمانان از وی پیروی می‌کنند و میان آن‌ها عدالت برقرار می‌کند و به دین یاری می‌رساند.»^۳

حدیثی مشترک

کمتر حدیثی بوده است که تقریباً چهره‌های برجسته اهل سنت بر نقل آن وحدت سخن داشته باشند. اما حدیثی که در ذیل نقل می‌شود، کسانی مانند: بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی، ابن ماجه، ابوداود سجستانی، احمد بن حنبل، ابن مغازلی، حافظ ابو نعیم از جابر بن سمره نقل کرده‌اند که گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «بعد از من دوازده نفر امیر باشند» سپس کلمه‌ای فرمود که آن را متوجه نشدم، پدرم به من گفت: حضرت فرمود: «همه آنها از قریشند.»^۴

دبیر کل جهان اسلام!

شخصی به نام ابو محمد شوس، از اهالی کنیا (بلاد آفریقا)، در باره ظهور مهدی منتظر، از «رابطة العالم الاسلامی»، که مهمترین مرکز مذهبی حجاز (مکه) است، سؤالی کرده و دبیر کل آن مؤسسه، محمد صالح القزاز پاسخی برای وی فرستاده و در

۲. مهدی، انقلابی بزرگ، ص ۱۵۸

۴. جهان در انتظار کیست؟ ص ۵۴

۱. العیبر، ج ۲، ص ۳۱

۳. جهان در انتظار کیست؟ ص ۵۶

ضمن آن پاسخ تصریح شده است که: ابن تیمیه، مؤسس مذهب وهابیان نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی را پذیرفته است.

متن رساله‌ای که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز تهیه کرده و برای او فرستاده‌اند چنین است:

در جواب این پرسش که: آیا حضرت مهدی موعود منتظر وجود دارد و زمان خروجش چه وقت است و از کجا ظاهر می‌شود؟

باید گفت: او محمد پسر عبدالله حسن علوی فاطمی است. او مهدی موعود است که همه انتظارش را می‌کشند و زمان خروجش در آخرالزمان است و آن از علائم قیامت کبری است. او از طرف مغرب مکه خروج می‌کند، با او مردم بین رکن و مقام بیعت می‌کنند. او زمانی ظاهر می‌شود که فساد و کفر و ظلم عالم را گرفته و او دنیا را پر از عدل و داد می‌کند، آن چنانکه پر از ظلم و جور شده است. او بر کره زمین هفت سال حکومت می‌کند و حضرت عیسی بعد از او نازل می‌شود و دجال را می‌کشد. او آخرین خلیفه دوازده گانه پیغمبر خدا ﷺ است که پیغمبر از وجود آنها در روایات صحیح، در کتب صحاح خبر داده است.

احادیث حضرت مهدی (عج) را بیشتر صحابه از زبان پیغمبر ﷺ نقل کرده‌اند. (نام بیست نفر از صحابه را آورده و از نام کتاب‌هایی که درباره حضرت مهدی علیه السلام نوشته شده، یاد کرده است) و در آخر نوشته مفصل خود می‌گوید: «اعتقاد به خروج حضرت مهدی علیه السلام واجب است و این از عقاید اهل سنت و جماعت است و

و پنج نفری که رساله را تهیه کرده‌اند عبارتند از آقایان:

شیخ صالح عیین، شیخ احمد محمد جمال، شیخ احمد علی، شیخ

عبدالله خیاط، و شیخ محمد منتصر کتانی.

و در پایان نام کتاب‌هایی را که در اثبات مهدویت نوشته شده، آورده‌اند.^۱

فصل دهم

ویژگی‌های مهدی موعود (عج)

هر یک از ائمه علیهم‌السلام ویژگی و خصوصیتی دارند که دیگری ندارد مانند: تربت حسینی و اربعین حضرت و همچنین صاحب الأمر علیه‌السلام ویژگی‌هایی دارد که هیچ کس غیر آن حضرت ندارد، چنانکه مرحوم قمی چند نمونه آورده است. و اکنون ما هم خلاصه‌ای از آنها را می‌آوریم:

۱- امتیاز نور آن حضرت، که میان انوار ائمه علیهم‌السلام مانند ستاره درخشان است میان سایر کواکب.

۲- شرافت نسب آن حضرت، چون از طرف مادر نیز به قیصرهای روم و به جناب شمعون صفا وصی حضرت عیسی می‌رسد.

۳- روز تولدش دو ملک او را به سرادقات عرش، به پیشگاه خداوند تبارک و تعالی بردند.

۴- «بیت الحمد» ویژه آن حضرت است؛ چنانکه امام صادق علیه‌السلام فرمود: «برای صاحب الأمر خانه‌ای است که آن را «بیت الحمد» می‌گویند و در آن چراغی روشن است و از روزی که متولد شده تا روز قیامش خاموش نمی‌شود.»

۵- جمع میان کنیه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نام مبارک آن حضرت و در مناقب روایت شده است که اسم مرا بگذارید ولی کنیه مرا نگذارید.

۶- حرمت بردن نام آن حضرت.

۷- ختم وصایت و حجت در روی زمین به آن حضرت.

۸- غیبت از زمان ولادت و سپرده شدن به «روح القدس» و پرورش و تربیت در عالم نور و فضای قدسی.

۹- عدم معاشرت آن حضرت با کافران، منافقان و فاسقان.

۱۰- نبودن بیعت احدی از سلاطین جبار به گردن آن حضرت.

۱۱- بودن نشانی بر پشت مبارک آن حضرت که دلیل بر ختم وصایت است،

چنانکه علامتی بر پشت مبارک رسول خدا ﷺ بود و آن دلیل بر ختم نبوت بوده است.

۱- بودن نام و القاب ویژه آن حضرت در کتب آسمانی.

۱۳- تحقق یافتن چهار صد علامت قبل از ظهور آن حضرت.

۱۴- ندای آسمانی به نام آن حضرت است.

۱۵- کند شدن سرعت فلک از سیر، به خاطر آن حضرت.

۱۵- آشکار شدن مصحف امیر المؤمنین به دست آن حضرت.

۱۷- بودن ابری سفید بالای سر آن حضرت که او را معرفی کند که: اوست مهدی

آل محمد ﷺ.

۱۸- وجود ملائکه و جن ها به طور آشکار در لشکر حضرت، جهت یاری کردن

از آن بزرگوار.

۱۹- عدم تأثیر گذاری گردش روزگار و شب و روز در اندام و مزاج و اعضا و قوه

و هیئت آن حضرت، آنگاه که ظاهر شود. با گذشت عمری طولانی، در سن چهل

سالگی یا کمتر از آن باشد.

۲۰- رفتن وحشت و نفرت از میان حیوانات و انسان.^۱

البته وی بیش از پنجاه ویژگی را نسبت به حضرت حجت جمع آوری نموده

لیکن ما به لحاظ رعایت اختصار، به همین اکتفا می کنیم.

خورشید در پشت ابر

به هر حال، اراده حق تعالی بر این تعلق گرفت که برای مدتی نامعلوم، خورشید ولایت در پس پرده غیبت بماند.

و همچون نفع رساندن خورشید از پشت ابر بر جهان هستی، ولایت نیز در دوران غیبت، امتش را چراغ هدایت است. و آنها را مورد لطف و عنایت قرار می دهد. بر اساس آیات قرآن و بیانات مفسران حقیقی آن (پیشوایان معصوم علیهم السلام)

در این هزاره غیبت، حضرت حجت (عج) هیچ لحظه و آنی، از تغییر و تحولات عالم دنیا و آخرت، از اتم تا کهکشان ها در دنیا و از تمامی ما وقع عالم آخرت، حتی از تصمیمات درونی انسان ها غافل نمی باشد.

و تمام موجودات به برکت وجود آن قلب عوالم هفتگانه، روزی می خورند و به سیر تکاملی خود ادامه می دهند.

اما این نقش تنها کافی نیست، بلکه خداوند این ذخیره خود را برای هدفی «والا» و بسیار مهم تر نگه داشته است. و نیز باید توجه داشت که این امر مهم دلایل متعددی دارد؛ بعضی از آن ادله به هدف نهایی ذات اقدس الهی در به تکامل رساندن نظام آفرینش مربوط می شود و برخی نیز به عدم شایستگی (در اثر ظلم و ستم و ارتکاب گناهان) انسان ها بر می گردد. و همچنین شاید به عدم وجود یاران شایسته ای جهت تشکیل کابینه آن دولت کریمه جهانی باز گردد.

در این قسمت بحث می توان به ابعاد دیگری از زندگی سراسر نورانی آن حضرت، مانند: معجزات، کرامات، تشرفات، رؤیاها، دستگیری های آن حضرت و یا مثل: ادعیه، زیارات و توسلات و وظایف امت در این دوره و یا بحث یاران آن حضرت و صدها مطلب شایان ذکر دیگر پرداخت. اما از طرفی به لحاظ موجود بودن منابع غنی مورد نیاز که توسط دانشمندانی کار آمد فراهم آمده است.

و از طرفی دیگر چون با هدف اصلی ما (که همانا پس از مهدویت، ترسیم‌نمایی از اوضاع وحشتناک فعلی جهان و سیمای حکومت دینی و جهانی امام زمان (عج) است.) نمی‌سازد، از این رو مطلب را با گزیده‌هایی از بیانات آن یوسف فاطمه علیها السلام پایان می‌دهیم:

مختصری از بیانات امام زمان (عج)

- ۱- «ما کاملاً به اخبار و حوادث زندگی شما آگاهی داریم و هیچ چیزی از اخبار شما از ما پنهان نمی‌ماند.»^۱
- ۲- «اما ظهور فرج تنها به اذن خدا بستگی دارد.»^۲
- ۳- «هیچ چیزی مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.»^۳
- ۴- «... و هنگامی که خداوند به ما اجازه سخن دهد، حق ظاهر گردد و باطل از میان برود...»^۴
- ۵- «همانا غیبت کامل انجام یافت، پس دیگر آشکار شدن (ظهور) جز در موردی که خداوند متعال اجازه دهد، نیست.»^۵
- ۶- «... ما به امور زندگی شما بی توجه نیستیم، و شما را فراموش نمی‌کنیم...»^۶
- ۷- «و آن کس که از اموال ما (مانند خمس) چیزی بخورد، همانا در شکم خود آتش می‌خورد و به زودی در شعله‌های سوزان آتش دوزخ می‌سوزد.»^۷
- ۸- «من باقی مانده خدا در زمین هستم، و انتقام گیرنده از دشمنان

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴

۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۶

۶. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲

۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۶

۷. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۱

می باشم.»^۱

۹- «درهای پرسش از اموری را که برای شما مفید نیست ببندید.»^۲

۱۰- «من مهدی هستم، من قائم زمان می باشم، من کسی هستم که سراسر زمین را

همانگونه که پر از ظلم و جور شده، از عدالت پر کنم.»^۳

۱۱- «تعیین کنندگان وقت، برای ظهور، دروغگو هستند.»^۴

۱۲- «... همانا من، اهل زمین هستم.»^۵

۱۳- «دل های ما، ظرف های مشیت خدا هستند، پس هرگاه خدا چیزی بخواهد،

ما همان را می خواهیم.»^۶

۱۴- «... همانا خداوند متعال، مخلوقات را بیهوده نیافریده است و آنها را

بی جهت و هدف رها نکرده است.»^۷

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳

۶. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲

۵. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱

۷. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴

بخش دوه

نسیم ظہور

فصل اول:

سیری در حاکمیت دینی

حکومت دینی انبیا

امروز تفکر حکومت بر جهان و ولایت و سرپرستی، از موضوعات اصلی و موضع تنازع میان ادیان الهی و تشنگان زر و زور و قدرت است؛ چرا که تشنگان قدرت، در یک کلمه، کفر جهانی، حیات خویش را تنها در گرو وحدت ملل و نحل، در دست شستن از هر اعتقاد دینی و روی آوردن به لذت جویي مادی می بیند، و در رسیدن به این هدف دنیایی خود، از دست یازیدن به هر اقدامی دریغ نورزیده و مصمم است، تمامی موانع را، هر چند سنگین، از سر راه خویش بردارد و در مقابل ولایت الهی که گفتیم هدف نهایی تمامی ادیان آسمانی است، نیز به قصد نجات ملت های در بند، از سیطره ظالمانه کفر مطلق و حاکمیت دین مبین اسلام، بر عرصه جهان و تسلیم و زبونی و یا نابودی کامل دشمن به میدان آمده است. پس بدین ترتیب است که حکومت واحد آینده به عنوان محوری تعیین کننده، در یکی از دو طرف قضیه خواهد بود که به اعتقاد ما، در آینده ای نه چندان دور، پیروزی و گسترش کامل حاکمیت اسلام را به رهبری قائم آل محمد (عج) بر پهنه گیتی در آغوش خواهیم گرفت. و شاهد به اهتزاز در آمدن پرچم اسلام ناب محمدی ﷺ بر بام جهان خواهیم بود و این تنها یک آرزو و آرمانی دور از حقیقت و واقعیت نیست، بلکه یک وعده تخلف ناپذیر الهی است، که حق آمدنی و ماندنی و باطل رفتنی و نابود شدنی است؛ یعنی اندیشه حکومت دینی، از سرچشمه زلال کتب آسمانی نشأت یافته و آن از

عرش جوشیده است.

در اثبات این حقیقت، باید مسیری را، همراه حکومت های دینی در گستره تاریخ گام برداریم.

حکومت حضرت آدم علیه السلام

حکومت گروهی انسان ها، از جمع خانوادگی آدم علیه السلام و همسر او حوا و بنی آدم آغاز شده است؛ زیرا که خداوند متعال آدم علیه السلام را به عنوان جانشین خود برگزید.

«...إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...»

و حاکمیت زمین را به وی و خاندانش سپرد، به شرط آنکه شیطان را عبادت نکنند، چون شیطان دشمن آشکار بنی آدم است.

«أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ...»

حکومت نوح علیه السلام

پس از آدم علیه السلام رهبری بنی آدم به شیث فرزند آدم و پس از وی به حضرت نوح نبی الله رسید. و نوح به عنوان خلیفه و حاکم برگزیده شد، گروهی از وی پیروی کردند و همان سبب نجاتشان گردید.

«فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ...»^۱

«ما نوح و پیروانش را در کشتی نجات آوردیم و آنان را، از خلفا و حاکمان زمین قرار دادیم.»

یعنی آنگاه به ساحل نجات رسیدند که از شریعت نوح علیه السلام پیروی کردند.

حاکمیت قوم عاد

حضرت عاد، چهار نسل بعد از حضرت نوح (عاد پسر عوص، پستتر ارم، پسر سام، و پسر نوح علیه السلام) پا به عرصه حیات گذاشت و به مقام حاکمیت و خلیفه‌اللهی در روی زمین رسید.

دایره حکومتی این قوم، از جنوب عربستان و عمان تا حضرموت و یمن تا انتهای جنوبی دریای سرخ بوده است. ولی به مرور زمان، شریعت الهی را فراموش کردند و به بت پرستی روی آوردند.

حاکمیت ثمود

قوم ثمود نیز پسر عموهای قوم عاد بودند، که در یک منطقه کوهستانی میان مدینه و شام زندگی می‌کردند. آیه شریفه:

«وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأْنَاكُمْ فِي الْأَرْضِ»^۱.

«به یاد آورید آنگاه که خداوند شما را پس از قوم عاد وارث خلافت و اقتدار زمین گردانید و در زمین مستقر ساخت.»

اشاره به قوم ثمود است.

ولی این قوم نیز رفته رفته از شریعت الهی فاصله گرفتند و به شیاطین و مادیات روی آوردند.

حکومت و امامت ابراهیم علیه السلام

خداوند متعال به حضرت ابراهیم نیز فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم.» ابراهیم به پیشگاه خداوند عرضه داشت: «از خاندان من نیز امامان و پیشوایانی

برخواهی گزید؟!» خداوند فرمود: «آری اگر نیکوکار باشند. اما عهد و جانشینی من به ستمگران نخواهد رسید.»^۱

خلافت و حاکمیت یعقوب و یوسف علیهما السلام

خداوند بر اساس وعده‌ای که به ابراهیم علیه السلام راجع به خلافت ذریه نیکوکارش داده بود، یوسف را از چاه نجات داد و به مقام فرمانروایی رساند و کلید تمام خزائن سرزمین مصر را به دستش سپرد.

«وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ»^۲.

خلافت و حاکمیت قوم موسی علیه السلام

«... قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ»

«موسی به قومش گفت: امید است، خداوند دشمنانتان را هلاک کرده، شما را در زمین خلیفه گرداند، تا بنگرد که شما چگونه عمل می‌کنید.»

سرانجام فرعونیان به قعر دریا فرو رفتند و قوم مستضعف موسی وارث سرزمین‌های وسیع، آباد و پر برکت گردیدند.

و آنگاه که موسی خواست برای گرفتن الواح تورات به مدت چهل شبانه روز به طور سینا برود، باز جانشین تعیین کرد.

«... وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»^۳.

«موسی به برادرش هارون گفت جانشین من در قوم باش و از طریق مفسدان پیروی مکن. ولی آنان نیز از جاده حق منحرف شدند.»

۲. یوسف: ۵۷.

۱. بقره: ۱۲۴.

۳. اعراف: ۱۴۲.

خلافت داود - و سلیمان علیهم السلام

﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ...﴾

«ای داود، ما تورا خلیفه قرار دادیم، از این رو میان مردم به حق حکم کن.»

بنی اسرائیل با رهبری و خلافت حضرت داود و حضرت سلیمان علیهم السلام برای قرن‌های متمادی، کلید حکومت و اقتدار زمین را در دست گرفتند و ملت برگزیده جهان آن روز شدند. اما سرانجام در پی دور شدن از محتوای دین و شریعت الهی و پیمان شکنی مکرر و استکبار در روی زمین و همچنین خود بزرگ بینی و کشتار پیامبران تبدیل به ذریه ظالم حضرت ابراهیم علیهم السلام شدند و خود به خود از مقام جانشینی خداوند عزل گردیدند.

گفتنی است طی قرون متمادی تا ظهور اسلام و استقرار حاکمیت اسلام نیز هر جا فرصتی پیش آمده و شرایط مناسبی وجود داشته، فرزندان صالح و شایسته حضرت ابراهیم از تشکیل حکومت دریغ نورزیده‌اند. تعداد سلاطین از پیامبران مانند: آدم، شیث، نوح، ابراهیم، داود و سلیمان دوازده نفرند.^۱

حکومت حضرت محمد صلی الله علیه و آله

اولین حکومت اسلامی در مدینه منوره، به وسیله شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله تشکیل شد. پیامبر آنگاه که خود را در مکه، در محاصره کامل اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، اخلاقی و اجتماعی دشمن دید، به اذن خداوند هجرت آغاز کرد و در پهنه زمین آن روز، تنها در مدینه زمینه‌ای وجود داشت که حضرت همان نقطه را برگزید و در بدو ورودش؛ یعنی آغازین روزهای سال نخستین هجرت در مدینه، اقدام به برپایی حکومت اسلامی نمود و دیری نپایید و در کوتاه‌ترین مدت،

۱. تذکرة الائمة، ص ۱۴۸، و حکومت از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص ۸۰-۹۷

شعاع حکومتش به سراسر جهان آن روز نور افشانی کرد؛ یعنی در گذشته نیز بارها حاکمیت مطلق الهی بر پهنه گیتی آزموده شده است.

حکومت امیر المؤمنین علی علیه السلام

«...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...»^۱
 در حقیقت تکمیل دین مبین اسلام و اتمام نعمت الهی و گزینش و رضایت مندی خداوند به نصب امیر المؤمنین، علی علیه السلام تحت عنوان جانشینی نبی گرامی صلی الله علیه و آله، در راستای تشکیل حکومت اسلامی مطرح بوده است.
 از این رو، به شهادت انسانیت و تاریخ، پس از حکومت اسلامی حدود سیزده ساله گل سر سبد جهان آفرینش؛ حضرت محمد صلی الله علیه و آله، در طول تاریخ بشر حکومتی بی بدیل، توسط مقام ولایت و امامت و مکمل نبوت و رسالت، امیر المؤمنین علی علیه السلام در کوفه تشکیل شد و تا آنجا با فطرت پاک انسانیت سازش داشت که حکومتش «ضرب المثل» گردید. و تمامی ملل و نحل و انواع حکومت های تاریخ را زیر پای گذاشت و بر بلندای سکوی پیروزی، از همه حاکمان تاریخ فراتر ایستاد. و روح بلند آن حضرت بر تمامی مدعیان عدالت لبخند می زند.
 رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ إِكْمَالِ الدِّينِ وَ إِتْمَامِ النُّعْمَةِ وَ رِضَى الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ وَلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام بَعْدِي»^۲.

حکومت امام حسن مجتبی علیه السلام

پس از شهادت مظلومانه امیر المؤمنین علی علیه السلام، بی درنگ و بی هیچ تردیدی، امام حسن مجتبی علیه السلام فرزند برومندش و جانشین برحقش، اقدام به تشکیل حکومت

اسلامی نمود.

گر چه کفر پیشگان آن روز، تحمل عدالت آن سبط اکبر را نداشتند، اما هیچ گاه پیشوایان معصوم توحیدی، از انجام وظیفه و تکلیف الهی غفلت نورزیده‌اند. هر چند مدت حکومت آن حضرت بسیار کوتاه بود، اما گو اینکه آن مردان الهی مأمور به انجام تکلیف بوده‌اند و به پی آمد و نتیجه و سر انجام آن هرگز نمی‌اندیشیدند. پس از آن نیز تاریخ شاهد است که حضرت سید الشهداء علیه السلام خون پاک خود را، که در حقیقت همان خون خدا بود، پای نهال مقدس تشکیل حکومت اسلامی ریخت، و بعد هم تا آن حد تبلیغات مسموم امویان و عباسیان، بر افکار و اعتقادات جوامع آن روز تأثیر گذاشته بود که برای هیچ یک از فرزندان امام حسین علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام زمینه تشکیل حکومت فراهم نشد.

البته در همین فاصله، نهضت‌های درخشانی توسط پیروان آن امامان معصوم علیهم السلام در جهت تشکیل حکومت به وقوع پیوسته است، که برخی از آنها به پیروزی‌های نسبی نیز دست یافته‌اند.

و باید فراموش نکنیم، همانگونه که امام سجاده علیه السلام فرموده‌اند: «نعمت و بلاى دنیا بسیارش کم و ناچیز است، چون هرچه باشد فانی و زایل شدنی است. و نعمت و عذاب آخرت، اندکش بسیار است؛ زیرا ثابت و باقی و زوال‌ناپذیر است»^۱.

ولایت فقیه

اولین اقدام امام زمان (عج) در آغاز غیبت صغری، تعیین نماینده بود. آن حضرت در طول حدود هفتاد سال، چهار نفر از واجدین شرایط را به جانشینی خود منصوب کرد.

و در نخستین گام ورود به غیبت کبری، نیابت عامه‌ای به فقیهان و مجتهدان

۱. صحیفه سجاده، دعای هجدهم، ص ۱۷۳

دارای شرایط ویژه می‌دهد. و خود نیز از پس ابر غیبت نور افشانی کرده و عنان اختیار را در دست می‌گیرد.

خلاصه اینکه: در طول تاریخ، هابیلیان، ابراهیمیان، داودیان، سلیمانیان، موسویان، هاشمیان، محمدیان و علویان، هر از چند گاهی که توانسته‌اند، از اقدام به تشکیل حکومت دینی دریغ نورزیده‌اند و در مسیر این تکلیف مهم الهی چه خون‌های پاکی تقدیم کرده‌اند، چه شکنجه‌ها و زندان‌های دراز مدتی را تحمل نموده‌اند و چه ارقام سنگین مالی را نیز هزینه ساخته‌اند و... همه و همه در جهت استقرار عدالت و در پیش‌گیری از ظلم و جنایت بوده است.

اگر بخواهیم چند نمونه از نهضت‌هایی را که در این راستا (حکومت دینی) در تاریخ تشیع به وقوع پیوسته است نام ببریم، باید از موارد زیر یاد کنیم:

- ۱- انقلاب توّابین به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی.
- ۲- انقلاب مدینه که در پی سخنرانی‌های پرشور حضرت زینب علیها السلام و رهبری افرادی چون عبدالله بن حنظله به وجود آمد.
- ۳- قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی در سال ۶۶ هجری قمری.
- ۴- انقلاب زید بن علی بن حسین علیهما السلام در سال ۱۲۱ هجری قمری در شهر کوفه.
- ۵- انقلاب «ابی السرایا» و محمد بن ابراهیم بن طباطبای علوی حسینی بر ضد مأمون عباسی.
- ۶- انقلاب جمال الدین اشرف فرزند حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در خطه گیلان، که سرانجام نتیجه‌اش تشکیل اولین حکومت اسلامی شیعی بود.^۱
- ۷- قیام‌هایی همچون: سربداران به رهبری شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری، نهضت جمال‌الدین اسدآبادی، قیام جنگل به رهبری میرزا کوچک خان و سرانجام انقلاب اسلامی امام خمینی رضی الله عنه.

۱. فرازهایی از ره توشه، ویژه محرم ۷۶

فصل دوم

اوج اندیشه حکومت دینی در غرب

بر اساس بحث و بررسی مباحث گذشته؛ یعنی دو اندیشه و تفکر متضاد «دین مداران» و «دنیا باوران»، به یک نقطه مشترک رسیدیم و آن «اوج اندیشه حکومت دینی» است. البته با طی کردن دو راه کاملاً متفاوت و در جهت مخالف یکدیگر؛ به عبارت دیگر:

دین مداران و خدا باوران با تکیه بر پایه‌ها و مبانی اعتقادی خود؛ یعنی آیات قرآن، دیگر کتب آسمانی، احادیث و روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام، جامعه‌شناسی دانشمندان دین شناس، پیام فطرت و حکم عقل، به نقطه‌ای رسیدند.

و دنیا باوران نیز با تکیه بر تجربه‌های تاریخی خود، شیوه‌های تجربه شده در انواع حکومت‌ها، در ابعاد گوناگون سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که تمامی این موارد با شکست مواجه شده و به بن بست رسیده بود، طی کردند و آنها نیز در آخر به همان رسیدند که دین باوران رسیده‌اند! که ما این نقطه مشترک را «اوج اندیشه حکومت دینی» می‌نامیم.

پس در حقیقت، در چنین وضعیتی است که «اندیشه حکومت دینی» اوج می‌گیرد و بسیار طبیعی است که مخالفان هم تمام توانمندی‌های خود را بکار گیرند، همانگونه که شیوه گذشتگان نیز اینگونه بوده است؛ یعنی همواره با این اندیشه به حق و قرآنی، به مبارزه و ستیز برخاسته‌اند.

اگر ما، آغاز تاریخ بشریت را، همان نقطه حاکمیت حضرت آدم علیه السلام بدانیم و از

هابیل به عنوان نخستین مجاهد و مبارز و کفر ستیز تاریخ یاد کنیم، باید بگوییم که آغاز حق ستیزی نیز از همان زمان و توسط قابیل بوده است. و این دو نیروی حق و باطل، در طول تاریخ، همواره در جنگ و جدال بوده و با شکست‌ها و پیروزی‌هایی زمان را با همه فراز و نشیب‌های خود در نور دیده‌اند و در فرجام به این نقطه مشترک رسیده‌اند که باید: برای همیشه یکی از آن دو (باطل) جای خود را برای استقرار و گسترش حق و عدالت در گستره جهان، به دیگری (حق) بدهد و سکولاریزم‌ها و دیگران نیز باید پاسخ خود را در طول این مباحث دریابند و خواه ناخواه باید روزی در پیشگاه حکومت دینی زانو خم کنند و به خواست خداوند، آن روز نزدیک است.

سکولاریزم دین را از سیاست جدا می‌داند و بر این باور است که دین هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی قادر به اداره جامعه و تشکیل حکومت نیست و ژست علمی گرفته و اعتقاد و بینش خود را به دور از هرگونه عیب و نقص می‌دانند. در تعریف این لغت گفته‌اند: جوهر اصلی سکولاریزم، استقلال عقل بشری در شناخت است. یا به تعبیر دیگر: دایره نفوذ و حضور دین را عرصه‌هایی می‌داند که پای عقل آدمی به آنجا نمی‌رسد، این امور شخصی و مربوط به رابطه انسان و خداست و این حق هر فرد انسانی است که در مورد این رابطه تصمیم بگیرد. ادعا می‌کنند که: سکولار بودن با دین‌داری نیز سازگار است البته تلقی و تفسیری خاص از دین‌داری، که عقل محوری و رویکرد معرفتی خاص سکولاریزم را تحمل کند.

و همچنین می‌گویند: با توجه به تفسیر سکولاریزم به نوعی عقلانیت و رویکرد معرفتی، روشن می‌شود که ترجمه سکولاریزم به جدایی دین از سیاست و یا جدا شدن دین از دنیا، تنها ذکر نتایج و پیامدهای سکولاریزم در بعد اجتماعی و سیاسی است و نمی‌تواند به عنوان تعریف و ترجمه مستقیم واژه سکولاریزم باشد.

و نیز تأکید می‌کنند:

بیش سکولاریستی علی‌رغم ضعف‌ها و کاستی‌های عقل و دانش بشری در شناخت واقعیات حیات و هستی، همچنان بر استقلال معرفتی بشر پای می‌فشارد.^۱ باید گفت این نوع طرز فکرها و بیش‌ها، خیلی دیر به میدان آمده و بسیار سریع از عرصه خارج خواهد شد.

وقتی دانشمندان بزرگی مانند: خداوند دو کعبه؛ یعنی سوروکین، برتراند راسل، آلبرت اینشتین، برنارد شاو، ویل دورانت، ژان پل سارتر، پروفیسور آرنولد توین بی، آلکسیس کارل و از قداما چون افلاطون و عمده‌ها صاحب نظر گذشته و معاصر، در پیشگاه این حقیقت تسلیم شده و مستقیم یا غیر مستقیم خواستار تشکیل حکومتی جهانی و دینی می‌شوند، دیگر در عرصه اندیشه برای این علف هرزهای تازه رویده محلی از اعراب وجود ندارد. از زبان خود این دانشمندان بشنوید:

توین بی

فیلسوف و مورخ بزرگ انگلیسی جناب «پروفیسور آرنولد توین بی» در کنفرانس نیویورک می‌گوید:

«تنها راه صلح و نجات بشر، تشکیل یک حکومت جهانی و جلوگیری از گسترش سلاح‌های اتمی است.»

ویل دورانت

وی در کتاب لذات فلسفه، از قول اسکار وایلد می‌گوید: «نگریستن، به نقشه جهان غایی که فاقد مدینه فاضله؛ یعنی محل تحقق ایده‌های دلپذیر انسانی باشد، ارزش ندارد.»

انسانیت زمانی شکوفایی و تلالؤ خواهد داشت که در چنین محیطی زندگی

۱. حکومت دینی، ص ۵۶، ۶۶ و ۶۸

نماید و بدون آن زندگی، انسان معنی و مفهومی نخواهد داشت».

افلاطون

صاحب کتاب «موج انتظار» دیدگاه افلاطون را اینگونه تفسیر می‌کند:

مدینه فاضله‌ای که افلاطون می‌سازد و آن را در آسمان‌ها جای می‌دهد، تجسم درونی و نظری اوست، برای زندگی در یک محیط حق و عدالت صرف.^۱

و برخی از اوصافی را که افلاطون برای رهبری لازم می‌داند عبارتند از:

- ۱- عداوت و خصومت با دروغ و محبت حقیقی به صدق و خلوص.
- ۲- پست شمردن لذات جسمانی.
- ۳- عدالت و اخلاق لطیف.
- ۴- علو ادراکات و آزادی اندیشه.
- ۵- فطرت منظم و قانونی.^۲

ژان پل سارتر

بنیان‌گذار نوین مکتب اگزیستانسیالیسم، در مصاحبه‌ای مطرح کرده است:

«برای اینکه توافق اجتماعی حقیقی ایجاد شود، باید هر کس کلاً برای همسایه‌اش وجود داشته باشد و همسایه‌اش نیز کلاً برای او و این امر امروزه تحقق‌پذیر نیست.

او می‌گوید: اما به عقیده من هنگامی که دگرگونی‌های اقتصادی، فرهنگی و عاطفی میان مردم ایجاد شد، این امر نیز تحقق خواهد یافت، ابتدا با حذف کمبودهای مادی که به نظر من اساس کلیه تضادهای دیروز و امروز آدمیان است. آن روز هم بی‌شک تضادهای تازه‌ای در بر خواهد داشت، تضادهایی که در تصور من و هیچ‌کس دیگری نمی‌گنجد، اما مانع ایجاد اجتماعی نخواهد شد که در آن هر کس خود را به تمامی تسلیم کسی کند که خود را تسلیم او نخواهد کرد، چنین جامعه‌ای مسلماً

۲. به نقل از جمهوری، ص ۱۵۲

۱. موج انتظار، ص ۱۴۰-۱۴۳

جهانی خواهد بود».^۱

راسل

برتراند راسل، فیلسوف نامور انگلیسی در این باره می‌گوید:
«دنیا چشم به راه مصلحی است که همگان را در سایه یک پرچم و یک شعار
متحد سازد».^۲

آلبرت انیشتین

او که تئوری پرداز «نظریه نسبیت» است، در مقام اظهار نظر می‌گوید: «فرا
رسیدن آن روزی که در جای جای جهان صلح و صفا حکومت کند و همه اعضای
جامعه بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند، دیری نخواهد پایید».^۳

شاو

برنارد شاو فیلسوف نامدار انگلیسی در کتاب خود به نام «بشر و ابرمرد» به ظهور
یک مصلح بشارت می‌دهد.

و در این زمینه استاد بزرگ عباس محمود عقاد می‌نویسد:
به نظر ما «ابرمرد» مورد نظر شاو، یک فرضیه و امری ناشدنی نیست و فراخوانی
بشر به سوی چنین مصلحی توسط «شاو» از حقیقتی ثابت و واقعیتی اصیل ریشه
گرفته است».^۴

از این رو می‌توان گفت، تقاضای تشکیل حکومت واحد جهانی سخن امروز
نیست. در روزهای پایانی قرن نوزدهم، گروهی اندیشه ناسیونالیسم (قوم‌گرایی) را

۲. موج انتظار، ص ۴۵

۴. همان

۱. موج انتظار، ص ۱۴۰-۱۴۳

۳. موج انتظار، ص ۴۵

مطرح کردند و مورد دفاع و استقبال جمعی قرار گرفت که ناگهان موضوع «انترناسیونالیسم» و لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی در اندیشه متفکران غرب نیز قوت گرفت. به ویژه بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم این پیشنهاد جایگاه خاصی یافت که منجر به اتحادیه‌ای به نام «جامعه ملل» با تعداد ۲۶ عضو و پس از جنگ دوم تشکیلاتی به نام «سازمان ملل متحد» شکل گرفت و سپس خواستار پارلمان جهانی، شورای عالی اجرایی، ارتش جهانی و دیوان دادگستری بین‌المللی شدند.

آیا وجود این گونه اندیشه‌ها و بینش‌ها، ما را به سرعت، به طور غیر مستقیم به فلسفه «مهدویت» و تشکیل حکومت دینی جهانی رهنمون نمی‌شود؟!!

فصل سوم

آینده جهان در بیانات پیشوایان معصوم علیهم السلام

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

پیامبر فرمود: «آیا شنیده‌اید از شهری که یک طرف آن خشکی و طرف دیگر آن دریاست؟» اطرافیان گفتند: آری!

فرمود: «وقت سرور مهدی (عج) نمی‌رسد مگر اینکه در این شهر هفتاد هزار نفر از فرزندان اسحاق جنگ کنند».

(توجه کنید که این خبر چگونه با دولت و محمل اسرائیل کنونی و فسق می‌دهد؛ توضیح اینکه قوای اسرائیل به لشکر هفتاد هزار نفری مسلح، معروف است)^۱

و نیز فرمود: «...یکی از شاخص‌های قُرب ظهور نشانه‌ای از جنگ در ماه رمضان است و اجتماع و قرارداد هر کدام از طرفین غربی و شرقی برای جنگ با یکدیگر در ماه شوال و هیاهوی هریک مبنی بر ستیز با هم در ذی قعدة و برخورد آنها در ذی حجه است».

(مراد از این جنگ، جنگ اتمی جهانی سوم است.)^۲

۱. تذكرة المهدي، صص ۲۹ و ۳۰، به نقل از «يوم الخلاص» ص ۵۸۵
۲. همان، ص ۳۵، به نقل از «يوم الخلاص» ص ۵۵۷، به نقل از ملاحم و الفتن

امیر المؤمنین علی علیه السلام

اصبغ بن نباته می گوید از حضرت شنیدم که می فرمود: «... و آتشی با هیزم خشک از مغرب شعله می کشد و به دنبالش بدبختی و بیچارگی به ارمغان می آورد...»^۱ و در خطبه بیان حضرت نیز آمده است:

«زمانی که از مغرب جمعیتی با تشکیلات جنگی قیام کنند و شهرهایی را تصرف کرده و کشتار نمایند، پس جوانی بررومند از زندان آزاد شود و جلوی مغربیان را بگیرد، و نابودشان سازد... پس در این وقت است که مهدی (عج) می آید، او که علمدار دین محمدی است و برپا کند دولت احمدی، او که با شمشیر قیام می کند و در گفتار خویش صادق است. زمین را از لوٹ فاسقان پاک می سازد و مهد آسایش قرار می دهد. سنت های پیامبر و واجبات را احیا می کند؛ ظهور او بعد از سال ۱۱۶۴ پس از سال های فترت (بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام) است.»^۲

حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت در فراز پایانی خطبه ای طولانی در جمع زنان مهاجر و انصار که به عیادت وی رفته بودند می فرماید:

«... حاشا! بشارت دهید آن زمان را به اختلاف و هرج و مرجی که ایجاد می گردد و کشتار زیادی صورت می گیرد...»^۳

(حضرت فاطمه علیها السلام نیز همچون پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و ائمه اطهار دارای علم لدنی و واقف به تمام فتنه ها از زمان رحلت پدر بزرگوارش تا ظهور حضرت حجت بوده است.)

۱. تذکرة المهدی، ص ۶۴، به نقل از «یوم الخلاص» ص ۵۵۴

۲. همان، ص ۹۱، به نقل از الزام الناصب، ص ۲۱۱

۳. تذکرة المهدی، ص ۱۰۴، به نقل از، احتجاج طبرسی ص ۶۵

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

امام مجتبیٰ علیه السلام در پاسخ کسانی که به خاطر صلح با معاویه، ملامتش می کردند فرمود: «آیا نمی دانید که احدی از ما ائمه نیست مگر اینکه بیعتی به گردن اوست و تنها «قائم» است که با سرکشان بیعت نکند؟ او ریشه ظلم و جور را از زمین برکند، هم او که عیسی بن مریم علیه السلام به امامت او نماز می گزارد...»^۱

حضرت سید الشهداء علیه السلام

حضرت در خصوص حوادث قبل از ظهور فرمود:
 «زمانی که شعله های بزرگ آتش را در مدت زمان سه یا هفت روز، از طرف مشرق مشاهده کردید، پس منتظر ظهور حضرت حجت (عج) باشید.
 (این تعبیر در مورد جنگ اتمی است و نیز در روایات آمده که ظهور حضرت پس از جنگ جهانی سوم اتمی، مدت کوتاهی است و به نقل بعضی از روایات بعد از هیجده ماه است.) سپس فرمود: بعد از این جنگ است که منادی از طرف آسمان به نام «مهدی» (عج) ندا می کند، چنانکه این بانگ را تمام اهل مشرق و مغرب بشنوند... رحمت خدا بر کسی است که به این ندا پاسخ مثبت دهد و به سوی حضرتش بشتابد».^۲

امام سجاد علیه السلام

سیدالسادین می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) ظهور می کند، خداوند ناراحتی ها و بلاها را از هر مؤمنی می زداید و به او قدرت و قوت عطا می کند».^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲

۲. تذکرة المهدی، ۱۲۰، به نقل از «یوم الخلاص» ص ۵۱۲

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۳

امام باقر علیه السلام

صالح بن میثم روایت کرده که شنیدم از امام باقر علیه السلام فرمود: «میان کشته شدن نفس زکیه و قیام حضرت قائم (عج) بیش از پانزده شب فاصله نیست».^۱

امام صادق علیه السلام و آینده جهان

«إن دولتنا آخر الدّول و لم یبق أهل بیت لهم دولة إلا ملکوا قبلنا لئلا یقولوا إذا رأوا سیرتنا، إذا ملکنا سرنا بمثل سیرة هؤلاء و هو قول الله تعالی: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾».^۲

«همانا، حکومت ما، پایان بخش حکومت‌هاست، و هیچ خاندانی باقی نمی‌ماند مگر آنکه قبل از ما حکومت کنند، برای اینکه وقتی (فردا) سیره و روش عادلانه ما را دیدند، نگویند اگر ما هم به حکومت رسیده بودیم، همین‌گونه عمل می‌کردیم. و اینجاست که خداوند متعال فرمود: آخرین حکومت از آن پرهیزگارانست.»

آری، پس از تمام کارزارهای تاریخی، قدرت را به دست خواهند گرفت؛ یعنی پس از تمامی مدعیان عدالت خواه و غیره آمدند و در عمل اتمام حجت شد بر تمام جهانیان، آن وقت است که باید خورشید عدالت حقیقی طلوع کند و آن طلوع نزدیک است، ان شاء الله.

در میان تمام دولت‌ها و حکومت‌های موجود امروز در سراسر جهان، تنها به یک حکومت امید استقرار عدالت می‌رفت و آن هم جمهوری اسلامی ایران بود؛ که متأسفانه امروز شاهدیم که سرنوشت این نظام اسلامی را به کجا رسانده‌اند، و آیا این به همان معنا نیست که باید فرمایش آن امام معصوم علیه السلام دقیقاً جامه عمل بپوشد. البته نه

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۵، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳

۲. الارشاد

از روی جبر و بی اختیاری اینگونه عمل می‌کنند بلکه در عین داشتن قدرت و اختیار باز هم کارگزاران امر حکومت به بیراهه می‌زنند اما تأسف بیشتر اینجاست که در طول این مدت، هرگاه کسی اگر از روی دلسوزی (البته نه افراد مغرض و مریض) هم انتقادی کرده یا پیشنهادی داده است، بی درنگ او را متهم کرده و به عنوان ضد «اسلام» قلمداد می‌کنند. (اما کدام اسلام؟) و ما باید، امروز، این واقعیت تلخ را بپذیریم که وضعیت فرهنگی کشورمان و هم چنین، وضعیت اقتصادی، اجرایی، قضایی، قانون‌گذاری، سیاسی و... با اسلامی که مدعی آن هستیم هیچگونه تطابقی ندارد. و کسی نگوید که نمی‌شود، بلکه اگر می‌خواستیم می‌توانستیم.

امام صادق علیه السلام

حضرت فرمود: «قائم ما «مهدی» ظهور نمی‌کند تا این که دو سوم از مردم دنیا از میان بروند». سؤال شد: آیا از ما شیعیان نیز باقی خواهند ماند؟
 حضرت فرمود: «شما شیعیان جزو باقی ماندگان خواهید بود».^۱
 و نیز حضرت بنا به قول پدرش، از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که:
 «فرزند خورنده کبدها (کنایه از سفیانی که از فرزندان هند جگر خوار است) کریه المنظر و آبله گون، چون او را بنگرید تصور می‌کنید که لوچ است، نامش عثمان و نام پدرش عنبسه و از فرزندان ابوسفیان است...»^۲

امام کاظم علیه السلام

بطائنی می‌گوید از مکه تا مدینه به همراه امام کاظم علیه السلام بودم، در حین سفر روزی فرمود: «اگر تمامی اهل زمین و آسمان بر ضد بنی عباس قیام کنند، بنی عباس خون

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۱، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷

۲. کمال الدین، ص ۶۵۱

همه ایشان را خواهند ریخت، تا این که سفیانی قیام کند». گفتم: آیا این امر (قیام سفیانی) از حتمیات است؟ حضرت فرمود: «آری از حتمیات است». پس حضرت سر به زانو گرفت و سپس سر بلند کرد و فرمود: «ملک بنی عباس سراپا مکر و خدعه است و از میان خواهد رفت، تا آنجا که اثری از ایشان نباشد، آنگاه در قرب ظهور حضرت مهدی (عج) دوباره تجدید می شود، گویی که هیچ از اولش کم نیست»^۱

امام رضا علیه السلام

در روایتی به نقل از بزنتی آمده که گفت: شنیدم از امام رضا علیه السلام که فرمود: «پیش از ظهور حضرت حجت (عج) روز «بئوح» است»
 من نفهمیدم «بئوح» چیست؟ پس چون به مکه رفتم از اعرابی شنیدم که می گفت: امروز، روز «بئوحی» است از وی پرسیدم یعنی چه؟ او گفت یعنی بسیار گرم و پر حرارت است.

امام جواد علیه السلام

حضرت در باره نشانه های ظهور ولی عصر (عج) فرمود:
 «ستونی آتشین از سوی مشرق در آسمان آشکار می شود، که تمامی اهل زمین آن را می بینند، پس کسی که این ایام را درک کند، باید آذوقه یک سال خانواده خویش را مهیا و ذخیره نماید».^۲

امام هادی علیه السلام

به ابن اسباط فرمود: آیا فکر می کنی قیام قائم بدون خروج سفیانی انجام می پذیرد؟ نه! قیام قائم از حتمیات است، همانگونه که خروج سفیانی از حتمیات

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۸

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰

خداست؛ زیرا قائمی از ائمه بدون سفیانی نیست».^۱
مطلب روشن است نیازی به توضیح نیست.

امام حسن عسکری علیه السلام

حضرت در بخشی از بیانات جامع خود می فرماید:
«...به زودی چشمه های آب حیات به ظهور حضرت قائم (عج) می جوشد، ولی این فیض بعد از طی شدن مجموعه ای از آتش به انجام می رسد».^۲
اشاره به جنگ جهانی است.

امام زمان (عج)

در توقیع شریف حضرت که به مرحوم شیخ مفید نوشتند، آمده است: «به زودی به شما نشانه ای آشکار از آسمان و زمین و همراه آن علامتی در زمین ظاهر شود، در مشرق حادثه ای رخ می دهد که اندوه ما و شیعیان ما را به همراه دارد، کیانی بر عراق حکومت می کنند که از اسلام منحرفند، ارزاق مردم، از اعمال بدشان در مضیقه افتد، بعد از این به سبب مرگ «طاغوتی» از اشرار، کارها گشایش یابد و حزن ها برطرف گردد. نیکوکاران از این واقعه شاد می شوند... پس در این زمان هر شخصی از شما باید عملی انجام دهد که محبت ما را به خود زیاد کند و از اعمالی که موجب دوری ما از او می شود بپرهیزد؛ زیرا ظهور ما ناگهانی است و توبه ایشان موجب نمی شود که از سزای گناهانشان به واسطه ما کاسته شود. خداوند رشد و معرفت خود را به شما الهام می نماید و به لطف خود توفیق رحمت خویش را عنایت فرماید».^۳

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۹

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲

۳. ترجمه تذکرة المهدي (منتظر تاریخ) ص ۲۱۷-۲۱۹

فصل چهارم

امید به ظهور در کلام بزرگان

امام خمینی علیه السلام

«... گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افقِ مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان».^۱

آقای محمد علی بشارتی - وزیر پیشین کشور - نقل می کرد که: در تابستان ۱۳۵۸ هنگامی که مسئول اطلاعات سپاه بودم، گزارشی داشتم که: آقای شریعتمداری در مشهد گفته است: «من بالأخره علیه امام اعلام جنگ می کنم». من خدمت امام رسیدم و ضمن ارائه گزارش، خبر مذکور را گفتم، ایشان سرش پایین بود و گوش می داد، این جمله را که گفتم سربلند کرد و فرمود: «اینها چه می گویند پیروزی ما را خدا تضمین کرده است. ما موفق می شویم در اینجا حکومت اسلامی تشکیل می دهیم و پرچم را به صاحب پرچم می سپاریم». پرسیدم: خودتان؟ امام سکوت کردند و جواب ندادند.^۲

آیه الله خامنه ای (مقام معظم رهبری)

«منتظران حضرت حجّت تردیدی ندارند که روزگار ظلم و طغیان و تجاوز سرانجام به پایان خواهد رسید و قدرت قاهره حق، تمامی قلعه های فساد و تعدی را از میان خواهد برد».^۳

۲. کیمیای محبت، ص ۷۲

۱. عقاید امام راحل، ص ۵۴

۳. چشمه نور، ص ۳۳-۳۴

آیه الله خزعلی

احتمال، قوی و روشن است ولی تعیین میسر نیست چون نصاب فساد را نمی دانیم ولی دل ها باید گرم تقرّب ظهور باشد.

آیه الله مکارم شیرازی

امروزه بسیاری از علائم ظهور دیده می شود و انتظار بقیه نیز می رود.

حجة الاسلام سید حسن ابطحی

وی ۹ دلیل محکم می آورد که ظهور ضغری از سال ۱۳۴۰ قمری شروع شده است.

حجت الاسلام سید علی رضوی

ممکن است بدون حدوث هیچ یک از علامات، حتی علائم حتمیه، ظهور حضرت واقع شود، پس ظهور حضرت محتمل است که خیلی نزدیک باشد.

حجت الاسلام احمد قاضی زاهدی

احتمال ظهور حضرت در عصر کنونی می رود.

حجّت الاسلام سید جعفر رفیعی

وی می گوید: جمعی از آشنایانم (حدود پنج نفر) که نزد من موثق هستند (بطور اختصار) می گفتند: «در مسجد مقدس جمکران حضرت بقّة الله (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) را ملاقات کردیم، آن حضرت فرمودند: به مردم بگویید ظهور خیلی نزدیک است و توبه کنند و منتظر باشند و تبلیغ کنند».

حجّت الاسلام شیخ الرییس کرمانی

آری گفته اند: ظهور هم مانند غیبت، صغری و کبری دارد، ظهور صغری حدود ۷۰ سال قبل شروع شده دلایل و شواهد آن عبارتند از:

الف - مطرح شدن نام آن حضرت در هر مکان.

ب - کثرت تشرفات.

ج - اوج گرفتن نام آن حضرت در کتب، اشعار، جلسات و شیره.

حجّت الاسلام سید جواد معلم

در عصر کنونی بیش از زمان های، گذشته احتمال ظهور وجود دارد.

- ۱ - از اخباری که در مورد فسادها و فتنه های آخرالزمان وارد شده اند حول و حوش این ایام را نشان می دهد.
- ۲ - اخباری که از اولیا و مؤمنان از راه مکاشفه و رؤیای صادقانه صورت گرفته، حاکی از آن است که فتنه های این زمان عمیق ترین و دقیق ترین فتنه هاست و همین ظهور ظلم و جور است در کره زمین که نشانه ظهور خلیفه پروردگار است.
- ۳ - اخبار کسانی که آن خبرها بر اساس قدرتهای روحی به دست آمده است. زنی

اسم شخصی را صراحتاً گفته که انهدام حکومت پهلوی را بطور کامل بیان کرده است و همچنین ظهور نور در دنیا بعد از سال ۲۰۰۰ را عنوان نموده است.

۴- مدارکی که از انجیل و آثاری که در مسیحیت وجود دارد حاکی است که سال ۲۰۰۰ به بعد، ظهور مسیح بن مریم است لذا ۳۰۰ راهب در مکه گذاشته‌اند و همچنین در بیت المقدس دوربین مخفی قرار داده‌اند تا از حضرت مسیح علیه السلام عکس بگیرند.

حجت الاسلام میهن خواه

امکان ظهور امام عصر (عج) در هر لحظه می‌رود.

طبق آخرین خبری که نزدیک سه ماه قبل به من رسید یهودیان صهیونیست گروه ۲های تروریستی برای ترور سید حسنی و... تشکیل داده است و می‌خواهند به ایران بفرستند یا فرستاده‌اند و اعلام کردند که ظهور «مهدی» در اطراف سال ۲۰۰۰ اجتناب‌ناپذیر است و ما باید جلوی او را بگیریم.

و دیگر اینکه ظهور سفیانی (عثمان بن عنبسه) را می‌بینیم که در رأس ستاد فرماندهی ارتش سوریه هست و یک فرد یهودی مسجل است و جناب آقای شیخ بهلول هم او را ملاقات کرده است.

مصاحبه‌ای با عالم فاضل و متعبد شیخ بهلول

پرسش: آقای بهلول! لطفاً جریان سفرتان به سوریه و دیدن عثمان ابن عنبسه سفیانی (لعنة الله عليه) که در روایات آمده است و جزو علامات حتمیه ظهور امام زمان (عج) است را بیان فرمایید.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، من برای زیارت حضرت زینب علیها السلام و حضرت رقیه علیها السلام به سوریه رفته بودم و حدود ۲۰ روز در آنجا بودم.

حافظ اسد (رئیس جمهور سوریه) مرا دعوت کرد و به خانه خود برد و از من

پذیرایی نمود. از آنجا مرا به ارتش سوریه برد و گفت که: برای ارتش سوریه صحبت کنم، من هم به منبر رفته و برای آنان سخنرانی کردم. وقتی که از منبر پایین آمدم. یک منصب داری داخل شد. در آن وقت عده‌ای گفتند: «جاء سفیانی» یعنی سفیانی آمد. دیدم او یک سرتیپ ارتش سوریه است. من با او شروع به صحبت کردم و اسم کوچک او را پرسیدم. گفت: اسم عثمان بن عنبسه است. دیدم خودش است و او از جهت قیافه همان خصوصیات را داشت که در روایات از سفیانی آمده است. و در صحبت‌های خود با او متوجه شدم که در فکر این است که رییس جمهور سوریه شود...

پرسش: آقای بهلول! نظر شما راجع به درگیری جهانی چیست و ایران در آن وقت چه موقعیتی خواهد داشت؟

پاسخ: به نظر من به زودی درگیری جهانی پیش می‌آید و تمام دنیا حتی ایران نیز داخل در این درگیری خواهد شد.^۱

۱. کتاب آیا ظهور نزدیک است؟ برگرفته از صفحات، ۱۳۰-۱۶۵

فصل پنجم

نزدیک بودن ظهور از نگاه دانشمندان غرب

پدوسکا

وی که یکی از مبلغان مذهب مسیحیت در آمریکا است، در پاسخ این پرسش که آیا ممکن است در این زمان ظهور مصلح جهانی اتفاق بیفتد، گفت:

«در انجیل برای ظهور مصلح جهانی علائمی ذکر شده است، از جمله وقوع زلزله‌ها، سیل‌ها، جنگ‌ها، قحطی‌ها، خشکسالی و... که تمام این علائم محقق شده‌اند.» با توجه به این پاسخ، سؤال شد: بنابراین روز ظهور نزدیک است؟ ایشان پاسخ داد: آن روز بسیار نزدیک است.

استاد تاریخ هند

استاد تاریخ یکی از دانشگاه‌های هند می‌گوید: «اگر به گذشته تاریخ بنگریم، می‌بینیم که پیوسته بشر به سمت دین‌گرایی داشته‌است و در این زمان، بشر به حدی از میل به دین و بازگشت به مذهب رسیده است که قابلیت پذیرش یک رهبر آسمانی را دارد.»

آقای ایجیرو اوزاوا (یکی از مقامات ژاپن)

می‌گوید: حل مسائل و معضلات ژاپن تنها با اصلاحات امکان‌پذیر نیست. چیزی که ما نیاز داریم یک انقلاب است.

خاخام یهودی آمریکا

می‌گوید: کسانی که به کتاب تورات معتقدند، می‌دانند که وجود اسرائیل غیر از مذهب یهود است و تورات تصریح می‌کند، یهودیان تا ظهور ناجی خود نمی‌توانند از دولت برخوردار باشند...

دکتر عبد الکریم زبیدی

مقاله‌ای دارد حاوی چنین مطالبی:

- ۱- جهت دادن سیاست و نقشه‌های نظامی قدرت‌های بزرگ جهان بر مبنای حوادث پیش از ظهور.
 - ۲- تبلیغ مؤسسات دینی و رسانه‌های دولت‌های غربی به وقوع حادثه‌ای بزرگ.
 - ۳- اعتقاد غربیان به فرود آمدن حضرت مسیح و برقراری صلح جهانی.
 - ۴- ۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعه بزرگ ظهور و بازگشت مسیح و...
- «به هر تقدیر زمان به سرعت می‌گذرد و حوادث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به همراه نشانه‌های طبیعی همگی به نزدیک بودن این حادثه عظیم (جنگ جهانی سوم) اشعار دارند و این در حالی است که ما نه خود و نه فرزندانمان را برای آن آماده نکرده‌ایم».^۱

آقای گریس هال سل

چندی است در جهان غرب میان نحله‌هایی از یهود و مسیحیان، تفکری واحد دور افتاده است که بنا به ظهور علائمی چند، بازگشت دوباره مسیح را در آینده‌ای نزدیک بشارت می‌دهد.

شایان ذکر است، از فعالیت‌های تبلیغی جهان غرب شدت وحشت آنان را در

۱. مجله موعود (شماره ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۷)، ص ۱۱

خصوص ظهور می توان فهمید بعنوان مثال:

- ۱- نمایش فیلم «پیشگویی های نوسترا داموس» به مدت سه ماه متوالی در شبکه های تلویزیونی آمریکا و پخش آن در سراسر جهان.
- ۲- بسیج صهیونیست ها و سازمان اطلاعات آمریکا برای جلوگیری از ظهور و... و هم چنین بنا بر نقل چند تن از علما و دانشمندان حوزه علمیة قم، چند سال پیش عده ای از محققان و دانشمندان خارجی به قم آمدند و تمام کتاب ها و مطالب روایی که در مورد حضرت امام زمان (عج) و خصوصیات و ظهور ایشان بود را جمع آوری کرده، با خود به کشور هایشان بردند تا بر روی آنها تحقیقات و بررسی های مفصلی انجام دهند. و این نشان دهنده اهمیت این موضوع برای آنها است.^۱

۱. آیا ظهور نزدیک است؟ برگرفته از صفحات ۱۶۸-۱۷۷

فصل ششم

آینده جهان از دیدگاه‌های مختلف

«حتی برای آنها که تاریخ را بر اساس تضادها تفسیر می‌کنند، (ماتریالیسم دیالکتیک) روزی مطرح است که تمامی تضادها از میان می‌رود و سازش و آشتی حکمفرما می‌گردد».^۱

خداوند دو کعبه

«سوروکین» یکی از شخصیت‌های انقلابی شوروی در زمان حکومت تزارها بود. که چندین بار به همراه دیگر مبارزان شوروی به زندان می‌افتد. وی در زمان لنین تبعید می‌شود، و پس از پیروزی انقلاب در اکتبر ۱۹۱۷ میلادی به تدریس در یکی از دانشگاه‌های شوروی مشغول می‌شود. اما چون اندیشه‌های او فراتر از دگم‌های مارکسیسم بود، او را در یک دادگاه صحرایی به اعدام محکوم می‌کنند. ولی در نهایت به میانجیگری «تروتسکی» یکی از هم‌زمان و مشاوران «لنین» حکم اعدام «سوروکین» لغو می‌شود و دوباره او را به چک اسلواکی تبعید می‌کنند. چون یکی از پیش‌بینی‌های او در مورد قریب‌الوقوع بودن جنگ جهانی (دو سال قبل از وقوع جنگ جهانی دوم بود) درست از آب در می‌آید به او لقب «کاساند» می‌دهند و جامعه شناسان آمریکایی از او می‌خواهند که ریاست افتخاری جامعه‌شناسی آن کشور را بپذیرد. وی نیز این درخواست را می‌پذیرد. و هم‌زمان با ریاست جامعه‌شناسی

۱. کتاب جستجو و گفتگو، ص ۴

آمریکا، به تدریس در دانشگاه‌های «هاروارد» و غیره مشغول می‌گردد. وقتی شوروی متوجه از دست دادن چنین نیرویی می‌شود برای تجلیل و دلجویی از او قسمتی از دانشگاه مسکو را به نام «سوروکین» نامگذاری می‌کند. بدین وسیله وی به عنوان شخصیتی ممتاز و محبوب در آمریکا و شوروی تلقی می‌شود و به قول یکی از نویسندگان که در سال‌های پایانی عمرش با وی مصاحبه‌ای خصوصی داشته، او را «خداوند دو کعبه» خطاب می‌کند. «سوروکین» به همه وجود اعتراف به انحراف و خسران و کمبود انسان در عصر ما دارد.

چه در جبهه کاپیتالیسم و چه در اردوگاه سوسیالیسم. این جامعه شناس بزرگ در صدد تهیه طرح معنویت جدید و ایمان تازه و معرفت نوین و خلاصه اعتقاد به خداوند برمی‌آید از همین جهت حایز اهمیت و شایان توجه است، که در مشرق و مغرب از او به احترام یاد می‌کنند. گفتنی است تنها «سوروکین» نیست که انسانیت را به ایمان، معنویت و اعتقاد به خدا دعوت می‌کند، بلکه دانشمندانی دیگر نیز از قبیل: «انیشتین» ریاضی دان، «ماکس پلاتک» فیزیک دان، «الکسیس کارل»، فیزیولوژی دان و غیره هر کدام به تعبیری مختلف ولی حاوی یک پیام و آن دعوت بشریت به خداپرستی بوده است.

و هرکس به توحید بازگشت اعتراف به اندیشه دینی دارد و دستورات و اجرای قوانین آن دین بدون تشکیل حکومت دینی امکان پذیر نیست.^۱

بن باز

رهبری وهابیت «بن باز» نیز امروزه جزوهای در باره اثبات وجود مقدس ولی عصر «عج» که جهان در انتظارش بسر می‌برد، تهیه کرده است.^۲

۲. انوار صاحب الزمان (عج) ص ۱۳۶

۱. اقتباس از کتاب «خداوند دو کعبه»

دار مستقر

«دار مستقر» در طی کنفرانس هایی که به مناسبت ظهور «متمهدی» در سودان در فوریه سال ۱۸۸۵ میلادی مطابق با ۱۳۰۲ و در حضور عده کثیری برگزار گردید و سرانجام به شکل کتابی مستقل چاپ شد، می گوید: «می دانید که محمد ﷺ چگونه شریعت خود را بنیان نهاد؟

وقتی که او ظهور کرد، در عربستان علاوه بر شرک ملی باستانی، سه دیانت بیگانه موجود بود: آیین یهود، دیانت عیسوی و کیش زردشت. نکته مشترکی که در این سه دیانت یافت می شد عبارت از اعتقاد به یک وجود فوق الطبیعه بود که بایستی در آخرالزمان ظهور کند و نظم و عدالت رفته را به جهان باز آرد و مقدمه خلود و سعادت دائم انسان را فراهم سازد».^۱

برتراند راسل

آن فیلسوف بنام انگلیسی در بخشی از سخنان خود می گوید: «دنیا چشم به راه مصلحی است که همگان را در سایه یک پرچم و یک شعار متحد سازد».^۲

و نیز در جای دیگر می گوید:

«هر روز این احتمال وجود دارد که نائره جنگ سوم جهانی مشتعل شود. کسانی از ما که آرزو دارند جهانی را که بشر می تواند به وجود آورد ببینند، نباید اگر جنگ سوم هم روی داد، از امید و ایمان خود دست بردارند. وظیفه ما این است که هر قدر هم ظلمت و ماتم و غم بر جهان مستولی شود، امید خود را زنده نگاه داریم و افکار خود را به رغم بدبختی های حال، متوجه آینده کنیم. هر یک از فرد فرد ما می تواند با استقامت و پایداری و جرأت و امید در دوران

۱. موج انتظار، ص ۸۴ به نقل از مهدی در ۳۱ قرن

۲. المهدی الموعود و دفع الشبهات عنه، ص ۶

ظلمت و تاریکی، کاری کند که احتمال این امید زیادتر شود. پس موجیات جنگ را باید از بین برد و بهترین راه حل، آن است که دولت‌های مختلف و متعددی وجود نداشته باشند تا میان آنها جنگی درگیرد، ترتیبی باید داد که بلوک از میان رفته، تمام خلق دنیا یک کاسه و یک جا، اتباع حکومت واحد جهانی شوند.

هماهنگی ملت‌ها تا آنجا برسد که همگی هدفشان تأسیس یک حکومت جهانی باشد، مادام که دولت جهانی تشکیل نشده، وقوع جنگ‌های عظیم اجتناب‌ناپذیر است.^۱

شایان ذکر است که نظر «راسل» حاکمیت همین افراد مستبد کنونی است و طرح نوین جهانی نیز زائیده همین نوع اندیشه‌هاست.

ما تنها شاهد مثالی که از آراء و نظریات وی می‌خواهیم، بر چند نکته اساسی مبتنی است:

نخست: جهان امروز با فاصله گرفتن از دین و معنویت، در ظلمت و ماتم و غم فرو رفته است.

دوم: هر روز که می‌گذرد احتمال وقوع جنگ جهانی سوم قوی‌تر می‌شود.
سوم: تشکیل یک حکومت واحد جهانی دینی تنها راه حل تمام مصائب بشری است.

الوین تافلر

وی کتابی دارد با نام «موج سوم» که تا اندازه‌ای همین اثرش باعث شهرت وی گردیده است.

وی موج اول را انقلاب کشاورزی و موج دوم را انقلاب صنعتی می‌داند، که اکنون جهان مراحل پایانی این انقلاب را می‌گذارند و کم‌کم وارد موج سوم می‌شود،

یعنی انقلاب تکنولوژی.

وی می گوید: «اگر از دید تازه ای به مسأله نگاه کنیم، مهمترین حادثه سیاسی عصر ما تقسیم جامعه به دو جبهه است؛ یکی هواخواهان تمدن موج دوم و دیگری طرفداران موج سوم».^۱ (انقلاب تکنولوژیک).

همچنین وی تحت عنوان «منازعه بزرگ آینده» می گوید:

«منازعه بزرگ میان موج دوم و موج سوم به بحران های فزاینده و ناآرامی های عمیق اجتماعی در آینده ای نزدیک اشاره دارد.

در بسیاری از کشورها نبردهای سیاسی سختی به راه خواهد افتاد.

نبردی که تنها برای تقسیم غنائم جامعه صنعتی (جامعه فعلی) نخواهد بود. بلکه بیشتر بر سر این خواهد بود که چه کسی جامعه آینده را شکل می دهد و بر آن نظارت خواهد داشت».^۲

آری، این منازعه در حقیقت میان درندگان انسان نما خواهد بود. و ناخودآگاه انسان به یاد فرمایش امام خمینی علیه السلام می افتد که می فرمود:

«آمریکا و شوروی مانند دو گرگ روبروی هم می خوابند و جرأت پشت به هم کردن را ندارند، چون هر آن ممکن است یکی به دیگری حمله کند!»

آری، جناب تافلر! منازعه بزرگ آینده همان جنگ اجتناب ناپذیر جهانی سوم است. و بعد در پاسخ این پرسش که: چه کسی جامعه آینده را شکل می دهد و بر آن نظارت می کند؟ باید گفت: به هزار و یک دلیل، ان شاءالله آن شخص همانا مهدی موعود خواهد بود.

تافلر در جای دیگر نیز می گوید: «هیچ کس به طور دقیق نمی داند آینده آستن چه رخدادی است؟»

در این قسمت از بحث به همین چند نمونه از اندیشه های یک رنگ دانشمندان اکتفا کرده و به دیدگاه مشترک اهل سنت نسبت به آینده جهان می پردازیم:

۲. همان، ص ۶۰۶

۱. موج سوم، ص ۶۰۳

ابن خلدون

صاحب کتاب «المهدی المنتظر» پس از بیان معنای لغوی و اصطلاحی «المهدی» می‌گوید: «تردید نیست که احادیث بسیاری از سوی رسول خدا ﷺ در مورد «مهدی» وارد شده است. و تنها اختلاف در صحت و ضعف آن احادیث است. اما در نهایت، احادیث «مهدی» را قبول کرده و ایمان و اعتقاد به آن را لازم می‌داند. که از آن جمله، از «ابن خلدون» نقل می‌کند که وی گفت: «بدان که مشهور است میان کافه اهل اسلام در گذر عصرها اینکه: الّا و لا بد، در آخر الزمان مردی از اهل بیت علیهم السلام ظهور می‌کند که او مؤید دین است و بر پا دارنده عدالت که مسلمانان از او پیروی می‌کنند و او بر ممالک اسلامی استیلا می‌یابد. آن مرد «مهدی» نامیده می‌شود و قبل از او خروج دجال و در پی آن «اشراط الساعه» و سپس حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل می‌شود و دجال را می‌کشد و به یاری «مهدی» قیام و به امام زمان علیه السلام اقتدا می‌کند»^۱.

نوسترا داموس فرانسوی

پیشگویی‌های او و صراحت عبارات ترجمه شده‌اش را بدون هیچ‌گونه توضیح و تفسیری می‌آوریم و قضاوت و برداشت را به عهده خود محققان منصف می‌گذاریم:

«مردی بزرگ از فرزندان «اسماعیل» به اوج قدرت خواهد رسید.»

«مردی از شرق به زودی از محل استقرار خویش خارج خواهد شد، او در مسیرش از آسمان، دریا و سرزمین‌های پوشیده از برف و یخ خواهد گذشت و همگان را با دسته پرچمش مضروب خواهد ساخت.»

«بزرگ مردی از آسیا، با سپاهی رعب‌انگیز از زمین و دریا سر می‌رسد، با او مردانی هستند که مانند مردگان چهره‌های رنگ پریده‌ای دارند و صلیب‌ها را نابود

می کنند».

«دیواری که در شرق است به زودی فرو خواهد ریخت».

«دگرگونی هایی به دست رب النوع ازلی حادث خواهد شد».

«خورشید مشرق بذر ترس می باشد».

«خانندان سلیمان بزرگ (یهود) به زودی بر زمین می افتند».

«آسمان به زودی در عرض ۴۵ درجه جغرافیایی شعله ور خواهد شد. آتش به

شهر بزرگ و نوساز (آمریکا) سرایت خواهد کرد، در یک چشم بر هم زدن، شعله های سرکش همه جا را فرا می گیرد».

«ناوگانی عظیم در خلیج فارس تکه تکه خواهد شد».

«ناوگانی دریایی در برابر مردان محمدی جبهه می گیرد».^۱

گفتنی است که زمانی از طرف معصوم علیه السلام برای ظهور تعیین نشده است، تنها آمادگی و زمینه سازی سریع تر همراه با دعا و التجا به درگاه خدا، لحظه ی ظهور را نزدیک می کند. این زمینه ها در امت بنی اسرائیل باعث شد، حضرت موسی علیه السلام چهار صد سال زودتر، از وقت تعیین شده، متولد شود و برای نجات بنی اسرائیل مبعوث گردد، با این تفاوت که در این امت، خود حجّت (عج) اصرار بر ظهور دارد و در چیدن پایه های آن کوشا است. باید دانست که حجج پیشین در بالا بردن پایه های حکومت مهدی (عج) جان به جان آفرین تسلیم کردند.^۲

جنگی اجتناب ناپذیر

گو اینکه بشر امروز جنگ جهانی سوم را امری قطعی و مسلم می داند و در حقیقت قضیه به سرعت بر همین منوال هم پیش می رود. چون جهان امروز تبدیل به

۱. پیشگوییهای نسترا داموس، اقتباس از صفحات ۲۰۰-۳۱۳

۲. کتاب علی علیه السلام و پایان تاریخ، صص ۲۹۵ و ۲۹۶

انبار بزرگی از باروت گردیده است. پس از جنگ جهانی دوم تا کنون، هر یک از قدرت‌ها، هر از چند گاهی شعاری برای فریب و محک زدن طرف‌های مقابل داده‌اند.

اما در واقع هر چه در توان داشته‌اند صرف مسابقهٔ تسلیحاتی کرده‌اند، از این رو، باید این سلاح‌های مخرب روزی آزمایش شود. هیچ کس نمی‌داند، ممکن است این ارادهٔ الهی باشد که قبل از طلوع خورشید (ظهور) تمام سلاح‌های ساختهٔ دست بشر به دست خود جهانخواران محو و نابود شود و ریشهٔ خود تهیه‌کنندگان مواد منفجره و سلاح‌های اتمی و غیره را بسوزاند.

و تا حدی از زحمت قائم آل محمد (عج) و یاران او کاسته شود. بهر حال همانگونه که از گفته‌ها، آراء و نظرات و پیش‌بینیهای دانشمندان نیز برآمد، جهان هر لحظه منتظر جرقه‌ای است. در پیش‌بینی‌های راسل آمده بود: «هر روز این احتمال است، که نائرهٔ جنگ سوم جهانی مشتعل شود...».

آری، امروز در سراسر جهان و میان تمام دول، شما هرگز نمی‌توانید میان دو کشور اتحاد و دوستی واقعی بیابید؛ یعنی در عین اینکه روبروی هم نشسته‌اند و مجالسی بس به ظاهر دوستانه تشکیل داده‌اند، اما در همان حال انگشت روی ماشهٔ سلاح‌های خود دارند و آماده شلیک هستند.

انقلاب بزرگ تاریخ

«ظهور مهدی (عج) به دنبال یک خلاء بزرگ و تنگنای مدنی خفقان آور، پدید می‌آید خلاء و خفقان که به او امکان می‌دهد تا رسالت خویش را انجام دهد و از آن زیر و رو شدن نظم روحی مردم را برای پذیرش آن استفاده کند.

زیر و رو شدن روحیهٔ مردم، تنها یک پیش‌آمد نیست، که به صورت تصادف در آن مرحله از تاریخ تمدن انسانی روی دهد، بلکه نتیجهٔ طبیعی تضادهای تاریخی

مردمی است که پیوند خویش را از خدای خویش بریده‌اند و در پایان هم، هنگامه‌ای، آتشی افروخته می‌شود که به هیچ چیز امکان ماندن نمی‌دهد و امام مهدی (عج) نیز مأموریت می‌یابد تا آن آتش را فرو بنشانند و عدالت آسمانی را برپای دارد.^۱

وعدۀ دیدار نزدیک است.

غم مخور ایام هجران رو به پایان می‌رود

این خماری از سر ما می‌گساران می‌رود

پرده را از روی ماه خویش بالا می‌زند

غمزه را سر می‌دهد غم از دل و جان می‌برد

بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود

زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود

محفل از نور رخ او نور افشان می‌شود

هر چه غیر از ذکر یار، از یاد رندان می‌رود

ابرها از نور خورشید رخس پنهان شوند

پرده از رخسار آن سرو، خرامان می‌رود

وعدۀ دیدار نزدیک است یاران مژده باد

روز وصلش می‌رسد ایام هجران می‌رود

آب زنید راه را

آری! پس از سیر کوتاه در اصل موضوع مهدویت و اثبات آن و اشاره‌ای گذرا به برخی از دیدگاهها و مبانی اعتقادی مراجع دینی و حتی غیر دینی، به این نتیجه می‌رسیم که: براساس تحقق بسیاری از نشانه‌های پیشگویی شده (واندکی باقی مانده)

۱. جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی (عج)، ص ۷۴
 . اختر فروزان، ص ۲۷، به نقل از دیوان امام خمینی رحمته الله علیه.

از سوی پیشوایان معصوم علیهم السلام، اهل عرفان، اندیشمندان، جامعه شناسان قدیم و جدید و سیاستمداران و زمامداران به بن بست رسیده، هر یک از آنان با الفاظی به ظاهر مختلف ولی در معنا مشترک به یک مفهوم اذعان دارند و آن اینکه اداره جهان امروز از قدرت بشر معمولی خارج است و این کشتی پر تلاطم به ناخدایی ضد بی خدایان سخت محتاج است.

بی تردید هر صاحب نظر با انصافی، امروزه با کمترین تأملی در اوضاع و شرایط کنونی جهان، بی اختیار به یاد «موعود» اعتقادی خود می افتد، و به دو اصلی اعتقادی و اساسی بشر؛ یعنی «وجوب» و «وجود» «موعودی» و دوم: نیاز امروز جهان به ظهور آن «موعود نجات بخش» اعتراف می کند.

و این یک حقیقت اعتقادی است و حاوی چشمداشتی در باره قیام و انقلاب یک مصلحی بس نیرومند و ارزشمدار خدایی است. که با نهضت و قیام شکوهمند خود به تمامی بیدادگری ها، ستم و تجاوزها، نابرابری ها و ناپسامانی های معنوی و مادی جهان امروز پایان بخشد و سرتاسر گیتی را زیر یک پرچم عدالت آفرین جهانی در آورده، معنویت دینی، امنیت، رفاه و آسایشی برای همگان به ارمغان آورد. از این رو، با اعتقادی راسخ می گوئیم: هر کس در هر چیز و هر پیش بینی شک و تردید به خود راه دهد، ما هرگز در این بیان قطعی الصدور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله که فرمود: «اگر از عمر دنیا باقی نماند مگر یک روز، به یقین خداوند آنچنان طولانی اش گرداند تا مردی از امت و خاندان من که نامش و کنیه اش همانند نام و کنیه من است، قیام کند و زمین را پر از عدل و داد کند، همانگونه که آکنده از ستم و بیداد شده باشد». ^۱ شک و تردید به خود راه نخواهیم داد. پس در این صورت باید همین امروز در صدد آب زدن راه و برداشتن موانع از سر راه و تعمیم فرهنگ واقعی انتظار در

سطح جهان بود که فردا دیر است.

اوضاع کنونی جهان بر هیچ صاحب خردی، پوشیده نیست؛ جهانی که در حقیقت از ظلم و ستم و تجاوز پر شده است و تهی از جتی نقطه‌ای از عدالت است. و ما امروز با کمال تأسف در شرایطی این بحث را دنبال می‌کنیم که جهان شاهد تلخ‌ترین، قبیح‌ترین، دردناک‌ترین مصیبت‌ها در عمر میلیونی خود می‌باشد. به عنوان نمونه: در پی حمله عواملی ناراضی از خود آمریکا، به رهبری صهیونیست جهانی در تاریخ بیستم شهریور سال ۱۳۸۰ هجری شمسی (۱۱ سپتامبر) به برخی از مراکز مهم آمریکا، جهت سرپوش نهادن بر رسوایی اطلاعاتی خود. سران آمریکا و اروپا، گاهی عرب را طراح این عملیات دانسته و گاهی اسلام را نشانه رفته‌اند و سر انجام اقدام به یک لشکرکشی کم سابقه‌ای به یکی از کشورهای فقیر و مظلوم جهان؛ یعنی افغانستان نموده‌اند و اکنون مدتی طولانی است که از این جنگ نابرابر می‌گذرد و روز و شب، پی در پی بر سر این ملت مظلوم، بمب و موشک ریخته می‌شود و در نتیجه مرتب بر تعداد کشته‌هایی که بیشتر از کودکان، زنان و پیرمردان هستند، افزوده می‌شود و تمامی ساکنان این کشور، آواره کوه و دشت و صحرا گشته‌اند. وضعیتی به وجود آورده‌اند که قلم و زبان توان وصفش را ندارد.

این کلیاتی است از قصه غم‌انگیز افغانستان. روح مطلب اینجاست که: جهان تماشاگراست و استکبار هرروز راحت‌تر از دیروز پرونده ننگین خود را سیاه‌تر می‌کند و بی آنکه با مخالفت جدی روبرو شود، بر روی اجساد مظلوم ترک تازی می‌کند.

فجر صادق

در لحظه‌های پایانی هر شب، دو نوع فجر داریم که در اصطلاح، اولی را «فجر کاذب» و دومی را «فجر صادق» نامند.

آنچه گفتیم، تنها گوشه‌ای بود از چهره زشت جهان امروز و مربوط به قصه‌ها و

غصه‌های شب بشریت، و از آنجا که در پی هر تاریکی روشنی است، و مآبه یقین فجر کاذب را پشت سر گذاشته‌ایم، پس با استناد به ادله فطری، عقلی و نقلی، دمیدن فجر صادق را بر افق گیتی نظاره گر هستیم. بنابراین، ادله فطری، عقلی و نقلی به ترتیب عبارتند از:

دلایل فطری و عقلی

نهاد نا آرام جهان و هر فطرت پاکی گواهی می‌دهد بر اینکه شب انسان‌های مظلوم و در بند، شب محرومان و مستضعفان، شب زندانیان بی‌گناه و در یک جمله، شب انتظار به پایان رسیده و فجر صادق در حال دمیدن است.

«اگر به آمادگی و بلوغ فکری که برای اکثریت مردم اتفاق افتاده است و به بن‌بست رسیدن تلاش‌های بشری برای ایجاد جامعه‌ای بدون فساد و خون‌ریزی توجه داشته باشیم، متوجه می‌شویم، پذیرش و آمادگی مردم برای حکومتی الهی و فوق بشری بسیار زیاد شده و بارقه‌های امید زیادی در دل منتظران ایجاد نموده است.»^۱

و نیز عقل سلیم هر انسانی حکم می‌کند که بی تردید باید تمامی آیات قرآن مصداق داشته باشد و تحقق پیدا کند؛ همانگونه که می‌دانید تا کنون آیات شریفه‌ای همچون آیه ۳۳ از سوره «توبه» و آیه ۹ از سوره «صف»:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

تحقق پیدا نکرده و پیروزی‌های پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَام نیز نسبی و در منطقه جغرافیایی خاصی از زمین بوده است. از این رو ناگزیر باید وعده الهی که همانا «تحقق حکومت دینی جهانی» است، توسط امام زمان (عج) به وجود آید.

دلایل نقلی

آیات:

«اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ»^۱ «آن ساعت قیامت نزدیک آمده است...»«إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً * وَنَرَاهُ قَرِيباً»^۲.

«هر آینه این مردم غافل و کافر آن روز را بسیار دور می بینند. اما ما بسیار نزدیک به وقوع می بینیم.»

این آیات در تفاسیر، به ظهور امام زمان (عج) تفسیر شده است.

روایات:

رسول خدا ﷺ

عبدالله بن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود:

«دنیا پایان نپذیرد تا اینکه مردی از اهل بیت من، که نامش نام من است، بر جهان

حکومت کند»^۳.و نیز حضرت علی رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که فرمود: «اگر از

عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا خواهد

برانگیخت تا دنیا را پر از عدل و داد کند؛ چنانکه از ستم پر شده است»^۴.

آیا وقت تحقق این امر نزدیک نیست؟! همانا وعده های الهی تخلف ناپذیر

است. و به حکم عقل نیز همه وعده هایی که یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر و

جانشینان آنها در راستای نجات بشریت، هر یک پس از دیگری بر آن تأکید

ورزیده اند، جامه عمل پوشیده است و آنها که از خود چیزی نمی گفته اند و تنها پیام

آوران وحی الهی بوده اند. از این رو نیز باید که وعده های تخلف ناپذیر آن برگزیدگان

۲. معارج: ۶ و ۷

۴. نور الابصار، ص ۱۵۶

۱. قهر: ۱

۳. ینابیع الموده، ج ۲، ص ۱۸۰

خداوند، که همان تحقق حکومت جهانی دینی است، جامعه عمل به خود بیوشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام

حضرت عالی علیه السلام نیز می فرماید:

«دنیا پس از چموشی، همچون شتری که از دادن شیر به دوشندگانش خود داری می کند و آن را برای بچه اش نگه می دارد، به ما روی می آورد»^۱.

و سپس آیه پنجم از سوره قصص را تلاوت می کند:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْأَوَارِيثَ﴾

«و ما اراده کرده ایم کسانی را که در زمین مستضعف واقع شده اند، نجات داده پیشوا و وارث واقعی زمین گردانیم.»

آری! شرایط امروز به گونه ای است که نزدیک بودن تحقق این وعده حضرت را بخوبی نشان می دهد.

امام زمان (عج)

خود حضرت صاحب الامر (عج) نیز ظهور را نزدیک دانسته است. آن حضرت در پاسخ سؤال سید محمد هاشمی گلپایگانی در عالم رؤیا، که آیا وقت ظهور نرسیده است؟ فرمودند:

«لَمْ تَبْقِ مِنَ الْعَلَامَاتِ إِلَّا الْمُحْتُمَاتِ وَ رُبَّهَا أَوْقَعَتْ فِي مَدَّةٍ قَلِيلَةٍ فَعَلَيْكُمْ بِدُعَاءِ الْفَرَجِ»^۲.

«علائم و نشانه های ظهور انجام شده است، فقط علائم حتمی (اشاره به پنج علامت حتمی است که تحقق آنها مقارن و همزمان با ظهور است)

۲. آیا ظهور نزدیک است؟ ج ۵۳، ص ۲۱۱

۱. نهج البلاغه، حکمت، ۲۰۹

باقی مانده است. چه بسا آنها هم در مدت کوتاهی انجام شود، پس بر شماست که برای فرج دعا کنید.»

و نیز از حضرت حجت (عج) نقل شده است که فرموده اند:

«الْوَقْتُ قَدْ دَنَا! الْوَقْتُ قَدْ دَنَا!»^۱

«وقت ظهور محققاً نزدیک است، وقت ظهور محققاً نزدیک است.»

جلوه‌هایی از حکومت جهانی مهدی (عج)

نخستین گام مهدی (عج)

آری، همانگونه که از روایات و احادیث بر می آید:

صدای ملکوتی مهدی (عج) در کنار کعبه، نه تنها در گستره زمین طنین افکند می شود، بلکه در افلاک نیز پیچیده و عیسی مسیح و الیاس و ادریس را از آسمان فرود آورد و هم در غارها فرو رود و اصحاب کهف را جهت یاری خویش از خواب بیدار سازد و هم به بیابان های دور رسد و خضر نبی را پیام دهد. و همچنین در اعماق خاک اثر کند و گروهی نیک سیرت، مجاهد و مؤمن را دعوت نماید، تا افرادی مانند: یوشع، شعیب و صالح، که از پیشگامان هدایتند و کسانی همچون مالک اشتر و ابودجانة که مظهر شجاعت و قدرتند و مثل: سلمان و مقباد که اسوه های ایمان و صلابت به شمار می روند، همگی بر گرد امام جمع شوند و راه خدمت ایشان پیش گیرند. تا آنجا که اموات نیز حیاتی تازه یابند و نیرو و توانی جدید که بدیدار یکدیگر روند و به تبریک و تهنیت پردازند.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۱۱

۲. منتقم حقیقی، ص ۱۹۰-۱۹۳ به نقل از منتهی الامال ج ۲، ص ۲۹۱ و منتخب الاثر، ص ۴۷۸

دومین گام

امام صادق علیه السلام فرمود:

«علم و دانش دارای ۲۷ حرف است، تمام آنچه که تاکنون پیامبران آورده‌اند، فقط دو حرف است و مردم جز آن دو حرف از علم را نشناخته‌اند، وقتی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر علم را آشکار نماید و در میان مردم منتشر سازد و به آن دو حرف ضمیمه کند تا ۲۷ حرف شود و علم تکمیل گردد».^۱

همچنین از معصوم علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«حکومت او مشرق و مغرب را فراگیرد، و گنجینه‌های زمین برای او آشکار گردد، و در سراسر زمین، سخای ویرانی نمی‌ماند، مگر اینکه آن را آباد خواهد ساخت».^۲

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«در عصر ما حکومت مهدی (عج) یک کشاورز و به اندازه ده سیر گندم یا (برنج) کشت می‌کند و هفتصد برابر آن محصول به دست می‌آورد».^۳

و نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«زمانی که قائم ما قیام نماید، خداوند آنچنان نیروی گوش و چشم شیعیان ما را زیاد می‌کند که میان آنها و قائم (عج) نامه رسان نخواهد بود، او با آنها سخن می‌گوید، آنها سخنش را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که او در مکان خود است و آنها در نقاط دیگر جهان».^۴

امام باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمتش را، بر سر بندگان گذارد و عقول آنها را کامل و افکارشان را تکمیل نماید».^۵

۲. کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۷۶

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶

۱. بحار الانوار، ۵۲، ص ۳۳۶

۳. عقد الدرر، باب ۹،

۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵

رسول خدا ﷺ فرمود:

«خداوند به وسیله مهدی (عج) از امت رفع گرفتاری می کند، دل های بندگان را با عبادت و اطاعت پر می سازد و عدالتش همه را فرا می گیرد. خداوند به وسیله او دروغ و دروغگویی را نابود می نماید، روح درندگی و ستیزه جویی را از بین می برد و ذلت بردگی را از گردن آنها بر می دارد.»^۱

حاکمیت اسلام بر جهان

حذیفه، صحابی معروف نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «... زمانی که خداوند اراده کند عزت اسلام را باز گرداند، تمام جباران کینه توز را درهم شکنند... ای حذیفه، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از اهل بیت من بر سراسر جهان حکومت کند، حوادث عظیمی به دست او روی می دهد و اسلام همه جا آشکار می شود، این وعده تخلف ناپذیر الهی است.»^۲

و نیز امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«سوگند به کسی که جانم به دست او است، در عصر ظهور قائم (عج) هیچ شهر و آبادی در سراسر جهان نخواهد بود مگر اینکه ندای «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» هر صبح و شام در آن طنین افکن خواهد شد.»^۳

در سایه حکومت جهانی مهدی (عج)

امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی می فرماید:

«... تمامی مردم در سایه حکومت دینی مهدی (عج) ثروتمند و بی نیاز باشند...»^۴

تمامی اقتصاد جهان در نزد حضرتش گرد آید. آنچه در دل زمین است و آنچه در

۲. الحاوی للفتاوی، ص ۶۴
۴. بنجار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۷

۱. کتاب الغیبه، ص ۱۱۴
۳. ینابیع الموده، ص ۴۲۳

روی زمین. پس از آن مهدی (عج) به مردم بگوید:

«بیایید! و این اموال را بگیرید! اینها همان چیزهایی است که برای بدست آوردن آنها قطع رحم کردید و خویشتان خود را رنجاندید خون‌های ناحق ریختید و گناهانی را مرتکب شدید. بیایید و بگیرید».^۱

آنچنان بخشش نماید که تا آن روز کسی آنگونه بخشش اموال نکرده باشد. حضرت تمامی حقوق از دست رفته را به صاحبانش برگرداند غصب‌کننده بیرون کشد و به صاحبش باز گرداند.^۲

و نیز بر اساس روایات عدل و داد آنچنان زمین را پر سازد تا آنجا که جانوران و گیاهان نیز از این برکت و رحمت بهره ببرند. چون قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام قیام کند، مانند حضرت داود عَلَيْهِ السَّلَام؛ یعنی بر حسب باطن قضاوت کند، و بی هیچ نیازی به شاهد حکم دهد. خداوند حکم را به او الهام کند و او بر طبق الهام الهی حکم کند. مهدی (عج) نقشه‌ها و توطئه‌های پنهانی هر گروه را بداند و به آنان آن نقشه‌ها را بگوید و نیز دوست و دشمن خود را با نگاه بشناسد.^۳

و نیز مهدی (عج) مردم جهان را از آشوبی بزرگ و فراگیر و تحیر نجات بخشد و در جهان جای ویرانی نماند، مگر آنکه مهدی (عج) آنجا را آباد سازد و یاران قائم (عج) به سراسر جهان پانهند و همه جا قدرت را در دست گیرند، همه کس و همه چیز مطیع آنان شوند، حتی درندگان صحرا و مرغان شکاری همه و همه در پی کسب رضایت آنان باشند.^۴

در سایه حکومت حضرت، آتش فتنه‌ها و آشوب‌ها به خاموشی گراید. ستم و شبیخون و غارت و تجاوز و جنگ‌ها از بین برود. و نیز آن حضرت اموال را به صورت مساوی میان همگان تقسیم کند و بر کسی

۲. المهدی موعود، ج ۱، ص ۲۷۹

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷

۱. همان، ج ۵۱، ص ۲۹

۳. الارشاد، ص ۳۶۵-۳۶۶

امتیاز ندهد.^۱

مهدی (عج) عادل است و با برکت و پاکیزه حق را به تمامی عمل کند. خداوند دین اسلام را به وسیله او عزیز گرداند... او پیوسته خرف از خدا را به دل دارد و هیچ گاه به خاطر مقام و الایی که نزد خداوند دارد، مغرور نشود. او (همچون پسر بزرگوارش امیر المؤمنین) هرگز به دنیا دل نبندد و سنگی روی سنگی نگذارد. در حکومتش به احدی بدی نرسد مگر آنجا که حد الهی جاری گردد.^۲

در عصر حکومت مهدی (عج) آنچه هست محبت و اتحاد و دوستی است تا آنجا که هر کس هر چه احتیاج دارد از دیگری بدون هیچ منعی بردارد. و در داد و ستد و روابط تجاری از یکدیگر سود نگیرند و به طور کلی کینه ای وجود ندارد و در سراسر هستی آسایش کامل برقرار باشد.^۳

حضرت در بخشش مال و تقاضای مستمندان بی دریغ بخشنده است، ولی نسبت به کارگزاران دولت خویش، بسیار دقیق و سختگیر است و با مستمندان و نیازمندان بسیار دل رحم و مهربان.^۴

اعتقاد مسیحیت در خصوص مهدی (عج)

۱- شخصی برای اصلاح جامعه بشری و تشکیل حکومت جهانی به نام «شیلو» یا «روح راستی» یا «تسلی دهنده» یا «روح خدا» و یا «پسر انسان» خواهد آمد و مسیحیت انتظار او را دارد.

۲- همه ملت های جهان از او پیروی می کنند و او بر جهان حکومت خواهد کرد و او رئیس جهان خواهد بود و سلطنت او در ربع مسکونی مستقر خواهد شد.

۳- او در عین اینکه همیشه با مردم جهان خواهد بود، مردم جهان او را نمی بینند و اگر ببینند او را نخواهند شناخت.

۱. المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۶۴ و ۲۷۵

۲. المهدی الموعود، ج ۱، ص ۳۰۰

۳. به نقل از بحار الانوار، ج ۱۰

۴. المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۷۶-۲۷۷

- ۴- قبل از آمدن او، دنیا پر از ظلم و جور می‌شود و سراسر جهان را ستمگران احاطه می‌کنند.
- ۵- او ظلم و ستم را از روی زمین محو می‌کند و نمی‌گذارد، احدی به کسی ظلم کند و اثری از ظالمان و تجاوزگران بر روی زمین باقی نمی‌ماند.
- ۶- او از خود حرفی نمی‌زند و از روی هوای نفس تصمیم نمی‌گیرد، بلکه آنچه از خداوند متعال و پیامبران شنیده است بیان خواهد کرد.
- ۷- او وقتی بیاید ثروت زمین را استخراج می‌کند.
- ۸- در زمان حضرت، حکیمان از قدر و منزلت ویژه‌ای برخوردارند و علمای راستین دین و عدالت مثل ستاره می‌درخشند.
- ۹- وی جهان را از شناخت خداوند پر خواهد کرد و تمامی مردم دنیا به توحید و خداشناسی روی خواهند آورد.
- ۱۰- خوشی و یا کمال او در ترس از خدا است و چون وی خداشناس تر است از خدا بیشتر می‌ترسد.
- ۱۱- وی حضرت عیسی را جلال و عظمت خواهد داد و او را از تمام اتهاماتی که دشمنان او و یا دوستان او به او بسته‌اند نجات می‌دهد.
- ۱۲- حضرت عیسی با او خواهد بود.
- ۱۳- زمانی که او بیاید تمامی اضداد نیز در کنار یکدیگر با صلح و صفا زندگی می‌کنند، حتی درندگان و حیوانات موذی آسیبی به حیوانات اهلی نمی‌زنند.
- ۱۴- بعد از ظهور او، صالحان وارث زمین می‌شوند.
- ۱۵- بسیاری از مردمی که از دنیا رفته‌اند، در آن عصر بیدار شده و به این دنیا رجعت خواهند کرد و...^۱

جمع بندی و نتیجه

از آنچه بر اساس آیات، روایات و دیدگاه های مختلف بیان شد به یک جمع بندی منطقی دست می یابیم و آن اینکه:

در عصر حکومت دینی مهدی (عج)، عقل ها کمال می یابد. علوم به مرحله نهایی می رسند. تمامی منابع ثروت در اختیار و دسترس مردم قرار می گیرد. حکومت مال از میان می رود. عدل و محبت جایگزین بی عدالتی و عداوت می شود. از جنایت و خون ریزی اثری نیست. امنیت کامل برقرار است. تا آنجا که حیوانات نیز از یکدیگر وحشتی ندارند. مردم شب و روز از روشنایی وجود مبارک امام زمان (عج) بهره مند هستند و دیگر از نور افشانی ماه و خورشید بی نیازند. مرکز حکومت در کوفه خواهد بود. یاران خاص آن حضرت (اعضای کابینه دولت کریمه) ۳۱۳ نفرند.

به هر نقطه ای از زمین که نگاه بیندازی، جز سرسبزی، آبادی، خرمی، طراوت و صفا نخواهی دید. حتی پرندگان، وحوش، ماهیان دریا نیز غرق آسایش و خوشی هستند. پس آن روزگاری سراسر شاد و با نشاط و جلوه ای از بهشت موعود خواهد بود. که زندگی در حضور امام همانا زندگی در بهشت است.

و آخرین دعای ما «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» است.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید..... کلام خدا
- نهج البلاغه..... بیانات امیرالمؤمنین علیؑ
- صحیفه سجادیه..... دعاهاى امام سجادؑ
- اکمال الدین و اتمام النعمه..... شیخ صدوق
- الاحتجاج..... علامه طبرسی
- الغیبه..... شیخ طوسی
- امالی..... شیخ صدوق
- الغیبه..... نعمانی
- اثبات الهداة..... شیخ حر عاملی
- اصول کافی..... کلینی
- الارشاد..... شیخ مفید
- انوار البهیة..... شیخ عباس قمی
- اثبات الوصیه..... مسعودی
- الزام الناصب..... حاج شیخ علی حائری یزدی
- المهدی المنتظر..... دکتر عبدالعلیم بستوی

- المهدی امام دوازدهم (عج)..... سید صدر الدین صدر
- الصواعق المحرقة..... ابن حجر
- اليواقیت و الجواهر..... عبدالوهاب شعرانی
- المهدی الموعود و دفع الشبهات عنه..... سید عبدالرضا شهرستانی
- اعلام الوری..... طبرسی
- انوار صاحب الزمان..... سید حسن ابطحی
- آیا ظهور نزدیک است؟..... مؤسسه گل یاس
- اختر فروزان..... حجة الاسلام مدنی
- العبر..... ذهبی
- بصائر الدرجات..... ابو جعفر محمد بن حسن صفار
- مصلح غیبی..... سید حسن ابطحی
- مهدی در ۱۲ قرن..... دار مستتر
- موج سوم..... الوین تافلر
- حکومت دینی..... احمد واعظی
- ره توشه..... دفتر تبلیغات محرم ۷۶
- زندگانی چهارده معصوم..... آیت الله مظاهری
- عقاید امام راحل..... نمایندگی ولی فقیه در سپاه
- کیست مهدی؟..... امیر جواهریان
- سیمای آفتاب..... دکتر حبیب الله طاهری
- در انتظار ققنوس..... سید ثامر هاشم عمیدی
- نام نامه مهدی (عج)..... محمد کاظم بهمنیار
- موج انتظار..... داودی، دولت آبادی و میردامادی
- همه در انتظار اویند..... حسن سعید

تذکره الائمه.....	علامه مجلسی
المهدی فی القرآن.....	آیت الله سید صادق شیرازی
علی <small>علیه السلام</small> و پایان تاریخ.....	سید مجید فلسفیان
خورشید پنهان.....	مجموعه گفتارهایی درباره مهدی (عج)
مجله موعود.....	نمایندگی ولی فقیه در سپاه ولی امر
تاریخ ادیان و مذاهب.....	عباس قدیانی
سبائک الذهب.....	محمد امین بغدادی
کفایة الاثر.....	ابوالقاسم خراز قمی رازی
کیمیای محبت.....	محمد محمدی ری شهری